



دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهر فصلنامه علمی فضای جغرافیایی

دوره بیست و پنجم، شماره ۹۱
پاییز ۱۴۰۴، صفحات ۲۳۲-۱۹۵

امین محتشمی فر^۱

مهدی حقیقت بین^{۲*}

محمد رضا بمانیان^۳

حفاظت باغات تهران با رویکرد گفتمان شهری

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۱۰/۲۳

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۷/۲۰

چکیده:

باغات تاریخی تهران به عنوان عناصر هویت‌ساز و حامل حافظه جمعی شهروندان، نقشی اساسی در منظر شهری و بازتولید هویت شهری ایفا می‌کنند. با این حال، توسعه سریع شهری، نگاه کالایی به زمین و منطق سودمحور سرمایه‌داری، منجر به تخریب و تغییر کاربری این فضاها و ارزشمند شده است. ضعف قوانین، نبود ضمانت اجرایی و کاهش حس تعلق شهروندان، بحران حفاظت از باغات را تشدید کرده است. این پژوهش با رویکرد «گفتمان شهری» تلاش می‌کند تا نقش مشارکت اجتماعی، تولید روایت‌های هویتی و تقویت حس تعلق به مکان را در حفاظت و احیای باغات تهران واکاوی کند. مرور ادبیات و مطالعات موردی نشان می‌دهد که غالب پژوهش‌ها بر حفاظت کالبدی متمرکز بوده و به ابعاد گفتمانی و اجتماعی کمتر توجه شده است. یافته‌ها حاکی از آن است که حفاظت پایدار باغات مستلزم سیاست‌گذاری جامع، مشارکت فعال شهروندان و تقویت گفتمان

^۱ پژوهشگر دکتری معماری منظر، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

^۲ گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول) (ایمیل: haghghatbin@modares.ac.ir)

^۳ گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه تربیت مدرس

شهری است. راهکارهایی چون اصلاح قوانین، ایجاد نهادهای مستقل، حمایت‌های اقتصادی و احیای کارکردهای فرهنگی-اجتماعی باغات، می‌تواند زمینه‌ساز حفظ و بازتولید هویت شهری تهران باشد. این پژوهش با رویکرد کیفی و بهره‌گیری از روش تحلیل اسنادی و مطالعات موردی انجام شده است. در مرحله نخست، با مرور نظام‌مند ادبیات پژوهش، منابع علمی، اسناد شهری و قوانین مرتبط با حفاظت باغات تهران بررسی گردید. سپس، مطالعات موردی بر باغات شاخص شهر تهران (مانند باغ فردوس، باغ ملی و باغ نگارستان) انجام شد تا نقش این فضاها در حافظه جمعی، هویت شهری و گفتمان اجتماعی تحلیل شود. داده‌ها از طریق تحلیل محتوای منابع، مشاهده میدانی و بررسی تجارب موفق داخلی و خارجی گردآوری شد. در نهایت، با تلفیق داده‌های نظری و تجربی، راهکارهایی برای تقویت گفتمان شهری و حفاظت پایدار باغات تهران ارائه گردید. اعتبار نتایج با استفاده از مقایسه تطبیقی و بهره‌گیری از نظرات خبرگان حوزه شهرسازی و میراث فرهنگی افزایش یافته است.

کلمات کلیدی:

باغات تهران، گفتمان شهری، منظر فرهنگی، منظر شهری، حفاظت و احیا

مقدمه:

باغ‌ها، در شکل عمومی یا خصوصی خود، همواره نقش مهمی در ساختار فضایی و زیباشناختی شهرها داشته‌اند. این فضاها سبز نه تنها بخشی از هویت تاریخی و اکولوژیک شهر محسوب می‌شوند، بلکه با کارکردهای متنوع خود - از تأمین اکسیژن و کاهش آلودگی هوا تا ارتقای کیفیت زیست‌محیطی و روانی شهروندان - نقشی اساسی در تحقق شهر پایدار دارند. در بسیاری از شهرهای تاریخی مانند تهران، باغ‌ها بخش جدایی‌ناپذیر از حافظه جمعی، خوانایی شهری و نظام شبکه باز منظر به شمار می‌آیند. اما با گسترش بی‌رویه شهرنشینی، تغییر رویکردهای اقتصادی، و تقویت گفتمان سودمحور توسعه، باغ‌ها به‌عنوان «فضای قابل تصرف» تلقی شده و در برابر منطق سرمایه، شکننده و آسیب‌پذیر جلوه کرده‌اند. تخریب یا تغییر کاربری تدریجی این فضاها - که در بسیاری موارد در سکوت سیاست‌گذاری‌های رسمی یا با توجیه‌هایی نظیر ضرورت توسعه مسکن یا زیرساخت‌های شهری صورت می‌گیرد - به بحران‌هایی منجر شده است که ابعاد زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی را به‌طور هم‌زمان در بر می‌گیرد.

مسئله اصلی در این زمینه، تضاد میان ارزش‌های کیفی، زیست‌محیطی و هویتی باغ‌ها با منطق کمی و اقتصادی توسعه‌ی شهری است. در بسیاری از موارد، باغ‌ها به‌دلیل مالکیت خصوصی و نبود سازوکارهای قانونی شفاف و

الزام آور، به راحتی از چرخه منظر عمومی خارج شده و به عرصه‌های بسته و غیردسترس یا کاربری‌های کاملاً متفاوت بدل می‌شوند. در چنین شرایطی، گفتمان غالب بر برنامه‌ریزی شهری از حفاظت و ارتقاء منظر شهری فاصله گرفته و در برابر منافع فوری و قابل‌سنجش مالی، فاقد قدرت اقناعی لازم می‌شود. به بیان دیگر، آنچه در قلب این بحران قرار دارد، غیاب یک گفتمان شهری پایدار و مشارکتی است که بتواند از منظر حقوق شهروندی، عدالت فضایی و پایداری اکولوژیک، از باغ‌ها دفاع کند. بدون چنین گفتمانی، برنامه‌ریزی شهری صرفاً به ابزار مدیریت زمین برای تولید سرمایه بدل می‌شود، نه فرآیندی برای حفاظت از کیفیت زندگی.

مسئله اصلی این است که باغ‌ها - به‌عنوان بخشی از ساختار منظر شهری و حافظه جمعی شهر - به‌طور روزافزون در معرض تخریب، تغییر کاربری و حذف تدریجی قرار گرفته‌اند. این فرایند ناشی از فشارهای ناشی از توسعه شهری، سوداگری زمین و ضعف در سیاست‌گذاری حفاظت‌محور است. در این روند، باغ‌ها نه تنها از منظر کالبدی، بلکه از حیث عملکرد اجتماعی، زیست‌محیطی و زیبایی‌شناختی نیز از بافت شهری حذف می‌شوند.

این مسئله به دلایل زیر بحرانی تلقی می‌شود:

۱. زیست‌محیطی: باغ‌ها نقشی کلیدی در کاهش آلودگی، تنظیم دمای محلی و حفظ تنوع زیستی ایفا می‌کنند. از بین رفتن آن‌ها موجب تشدید بحران‌های اکولوژیکی شهری می‌شود.
۲. اجتماعی: باغ‌ها فضاهایی برای تعامل اجتماعی، آرامش روانی و حس تعلق شهری هستند. حذف آن‌ها باعث تضعیف کیفیت زندگی و از خودبیگانگی ساکنان از فضاهای شهری می‌شود.
۳. کالبدی و خوانایی شهری: باغ‌ها بخش مهمی از ساختار بصری و هویتی شهرها را می‌سازند. با تخریب آن‌ها، پیوستگی فضایی شهر دچار گسست می‌شود.
۴. اقتصادی - سیاسی: در نبود قوانین بازدارنده، باغ‌ها به منبع سودجویی تبدیل شده‌اند. منطق بازار آزاد بر منطق عدالت فضایی و حفاظت غلبه یافته است.
۵. ضعف گفتمان شهری: گفتمان‌های حاکم بر توسعه شهری عمدتاً کمی، پروژه‌محور و غیراشتراکی‌اند. در این فضا، ارزش‌های کیفی مانند منظر، طبیعت، زیبایی و خاطره، فرعی و حاشیه‌ای تلقی می‌شوند.

بنابراین، مسئله اصلی آن است که در بستر یک نظام تصمیم‌گیری توسعه‌محور و غیرمشارکتی، باغ‌ها به‌عنوان عناصر کیفی، غیرقابل‌قیمت‌گذاری و عمومی، در برابر منطق سودمحور و خصوصی‌سازی فضاهای شهری در حال حذف شدن‌اند.

از این‌رو، پرسش بنیادین این است که چگونه می‌توان با تکیه بر گفتمان‌های بدیل و نظریه‌های مشارکتی و عدالت‌محور، باغ‌ها را به‌مثابه بخش مهمی از ساختار منظر شهری و حق عمومی شهروندان بازساخت، حفظ کرد و در فرآیند توسعه به رسمیت شناخت؟

باغها در ساختار شهری

- ├── هویت تاریخی و زیباشناختی
 - ├── حافظه جمعی
 - ├── خوانایی شهری
 - ├── شبکه منظر باز
- ├── کارکردهای زیست‌محیطی
 - ├── تأمین اکسیژن
 - ├── کاهش آلودگی هوا
 - ├── تنظیم دمای محلی
 - ├── حفظ تنوع زیستی
- ├── کارکردهای اجتماعی
 - ├── آرامش روانی
 - ├── تعامل اجتماعی
 - ├── حس تعلق شهری
- └── نقش در تحقق شهر پایدار

بحران تخریب باغها

- ├── عوامل مؤثر
 - ├── گسترش شهرنشینی بی‌رویه
 - ├── رویکرد اقتصادی سودمحور
 - ├── ضعف سیاست‌گذاری‌های رسمی
 - ├── سوداگری زمین
- ├── پیامدهای بحران
 - ├── زیست‌محیطی
 - ├── تشدید آلودگی و بحران‌های اکولوژیک
 - ├── اجتماعی
 - ├── کاهش کیفیت زندگی و ازخودبیگانگی
 - ├── کالبدی و خوانایی شهری
 - ├── گسست پیوستگی فضایی و بصری
 - ├── اقتصادی-سیاسی

- └─ غلبه منطق بازار بر عدالت فضایی
- └─ ضعف گفتمان شهری
- └─ غیاب گفتمان پایدار، مشارکتی و عدالت‌محور

تضاد ارزش‌ها و منطق توسعه

- └─ ارزش‌های باغ‌ها
 - └─ کیفی
 - └─ منظر، طبیعت، زیبایی، خاطره
 - └─ زیست‌محیطی
 - └─ سلامت اکولوژیک و کیفیت هوا
 - └─ هویتی و اجتماعی
 - └─ حافظه جمعی و تعلق شهری
- └─ منطق توسعه
 - └─ کمی
 - └─ تمرکز بر سود و بهره‌وری مالی
 - └─ اقتصادی
 - └─ سوداگری زمین و افزایش سرمایه
 - └─ غیراشتراکی و پروژه‌محور
 - └─ ضعف مشارکت عمومی
- └─ پیامد تضاد
 - └─ حذف تدریجی باغ‌ها از منظر عمومی

حفظ باغ‌ها در فرآیند توسعه شهری

- └─ نیاز به گفتمان بدیل
 - └─ گفتمان مشارکتی
 - └─ گفتمان عدالت‌محور
 - └─ گفتمان حقوق شهروندی
- └─ بازشناسی باغ‌ها
 - └─ به عنوان حق عمومی
 - └─ به عنوان بخشی از ساختار منظر شهری

- سازوکارهای قانونی و سیاست‌گذاری
- قوانین الزام‌آور
- سیاست‌های حفاظت‌محور
- تقویت نظارت و مدیریت
- مشارکت و آگاهی عمومی
- افزایش مشارکت شهروندان
- ارتقای آگاهی فرهنگی و محیطی

سابقه تحقیق:

مطالعات انجام‌شده پیرامون فضای سبز و باغات تهران را می‌توان بر اساس رویکردها و اهداف پژوهشی به چند دسته اصلی تقسیم کرد که هر یک از آنها از منظر تخصصی به جنبه‌ای خاص از این فضاهای شهری می‌پردازند. این تقسیم‌بندی امکان درک عمیق‌تر ابعاد متنوع و تعاملات پیچیده فضای سبز و باغات با محیط، جامعه و سیاست‌های شهری را فراهم می‌آورد. در ادامه دسته‌های اصلی و جهت‌گیری‌های مطالعات شرح داده می‌شود.

۱. مطالعات اکولوژیکی و محیط‌زیستی

مطالعات این حوزه عمدتاً بر کارکردهای طبیعی و زیست‌محیطی فضای سبز و باغات تمرکز دارند. نقش آنها در کاهش آلودگی هوا، تنظیم شرایط اقلیمی، حفظ تنوع زیستی و بهبود چرخه‌های اکوسیستمی آب و خاک بررسی می‌شود (Smith et al., 2018)؛ محمدی و همکاران، ۱۳۹۶).

نمونه پژوهش‌ها شامل تحلیل ظرفیت جذب آلاینده‌های هوا توسط پوشش گیاهی و شبیه‌سازی نقش فضای سبز و باغات در کاهش اثرات جزیره حرارتی است. (Jones & Brown, 2017)

۲. مطالعات شهری و برنامه‌ریزی فضایی

مطالعات این حوزه به تحلیل توزیع فضایی و عدالت دسترسی به فضای سبز و باغات می‌پردازند. علاوه بر سنجش تناسب سرانه فضای سبز با استانداردهای شهری، ارتباط باغات با سایر کاربری‌های شهری و ارزیابی نابرابری‌های مکانی مورد توجه است (دولت‌آبادی، ۱۳۹۸؛ Turner, 2020).

به عنوان مثال، بررسی توزیع و دسترسی به باغات در مناطق مختلف تهران و نقش آن در توسعه پایدار شهری از موضوعات مطرح است (کاظمی، ۱۳۹۷).

۳. مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی شهری

در این حوزه، تأثیر فضای سبز و باغات بر سلامت روان، کیفیت زندگی، حس تعلق مکانی و عدالت اجتماعی بررسی می‌شود. همچنین، الگوهای استفاده شهروندان از باغات و فضای سبز و نقش آن‌ها در ارتقاء سرمایه اجتماعی و تعاملات اجتماعی مد نظر است (Kaplan & Kaplan, 1989)؛ رضایی و همکاران، ۱۳۹۵).

مطالعات رضایتمندی کاربران باغات و نقش آن‌ها در حفظ و احیای این فضاها نمونه‌ای از این پژوهش‌هاست (Schipperijn et al., 2013).

۴. مطالعات اقتصادی و مدیریت شهری

مطالعات اقتصادی به ارزش اقتصادی باغات و فضای سبز، تأثیر آن بر بازار زمین و مسکن، هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری و مشارکت بخش خصوصی و مردم در توسعه آن‌ها می‌پردازند (Anderson & West, 2006)؛ علیزاده، ۱۳۹۶).

امکان‌سنجی بهره‌برداری از باغات خصوصی برای ارتقاء منافع عمومی و تحلیل هزینه-فایده سرمایه‌گذاری در باغات نیز از موضوعات این حوزه است (Giles-Corti et al., 2005).

۵. مطالعات تاریخی و فرهنگی

این مطالعات روند تحولات تاریخی باغات تهران و نقش آن‌ها در شکل‌دهی هویت شهری را بررسی می‌کنند. تأثیر فرهنگ ایرانی-اسلامی در طراحی و نگهداری باغات نیز محور اصلی این حوزه است (Habibi, 2013)؛ نوری، ۱۳۹۴).

مطالعات تطبیقی باغات از دوره قاجار تا امروز و تحلیل مؤلفه‌های فرهنگی در منظر باغات از موضوعات مورد بررسی است.

۶. مطالعات حقوقی و سیاست‌گذاری

مطالعات حقوقی چارچوب‌های قانونی حفاظت از باغات و فضای سبز، عملکرد نهادهای مسئول و سیاست‌های مرتبط با تغییر کاربری باغات را تحلیل می‌کنند (Farahani & Shams, 2017)؛ حیدری، ۱۳۹۵).

نقد و بررسی قوانین حفظ و گسترش فضای سبز و سیاست‌های شهرداری در مدیریت باغات نمونه‌ای از این مطالعات است.

۷. مطالعات ویژه باغات تهران

این دسته به صورت خاص به باغات تهران می‌پردازد و نقش آن‌ها را در هویت شهری، میراث فرهنگی و کیفیت زیست شهری مورد بررسی قرار می‌دهد. در این حوزه، علاوه بر ابعاد فرهنگی-اجتماعی، **ابعاد کالبدی، زیست‌محیطی و اقلیمی باغات** به‌طور جامع مدنظر قرار گرفته‌اند. این ابعاد شامل:

- **ابعاد کالبدی:** ساختار فضایی و معماری منظر باغات، عناصر کالبدی مانند درختان، آبناها، مسیرها و ساختارهای منظر، و تغییرات کالبدی ناشی از تغییرات کاربری؛
- **ابعاد زیست‌محیطی:** نقش باغات در تنظیم دما و رطوبت محلی، بهبود کیفیت هوا و حفظ تنوع زیستی در بافت شهری؛
- **ابعاد اقلیمی:** تأثیر باغات در کاهش اثرات جزیره حرارتی، تعدیل microclimate اطراف باغات و بهبود شرایط اقلیمی محلی.

همچنین، این مطالعات چالش‌های حفاظت و تهدیدهای ناشی از تغییر کاربری باغات را بررسی کرده و راهکارهای احیای آن‌ها را پیشنهاد می‌کنند (Azizi & Mohammadi, 2021). نقش مشارکت اجتماعی و گفتمان عمومی در حفاظت از باغات نیز از دیگر ابعاد مهم است که وجه فرهنگی-اجتماعی و سیاسی باغات را برجسته می‌سازد. (Swyngedouw, 2005)

دسته مطالعات	محورهای بررسی اصلی	نمونه پژوهش‌ها و موضوعات
مطالعات اکولوژیکی و محیط‌زیستی	نقش فضای سبز و باغات در کاهش آلودگی هوا، تنظیم دما و رطوبت- حفظ تنوع زیستی شهری- کارکردهای اکولوژیک چرخه آب و خاک	بررسی ظرفیت جذب آلاینده‌های هوا - توسط درختان- شبیه‌سازی نقش فضای سبز و باغات در مقابله با جزیره حرارتی
مطالعات شهری و برنامه‌ریزی فضایی	تحلیل پراکندگی و عدالت فضایی در توزیع فضای سبز و باغات- تناسب سرانه با استانداردهای شهری- ارتباط با کاربری‌های دیگر	تحلیل فضایی توزیع پارک‌ها و باغات در - مناطق مختلف تهران- بررسی نابرابری دسترسی شمال و جنوب شهر
مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی شهری	تأثیر فضای سبز و باغات بر سلامت روان و کیفیت زندگی - رابطه با حس تعلق مکانی و عدالت اجتماعی- الگوهای استفاده شهروندان	رضایتمندی کاربران فضای سبز و باغات - محلی- نقش فضای سبز و باغات در تقویت سرمایه اجتماعی و تعاملات اجتماعی
مطالعات اقتصادی و مدیریت شهری	ارزش اقتصادی فضای سبز و باغات- تأثیر بر قیمت زمین و مسکن- هزینه‌های نگهداری و بهره‌برداری- مشارکت مردم و بخش خصوصی	تحلیل هزینه-فایده سرمایه‌گذاری در - پارک‌ها و باغات- امکان‌سنجی بهره‌برداری از باغ‌های خصوصی برای منافع عمومی
مطالعات تاریخی و فرهنگی	بررسی روند تغییر کاربری باغات تاریخی- نقش فضای سبز در هویت فرهنگی و شهری تهران- تأثیر فرهنگ ایرانی- اسلامی	تحلیل تاریخی باغات تهران از دوره قاجار - تا امروز- تأثیر فرهنگ ایرانی-اسلامی بر طراحی فضای سبز و باغات

مطالعات حقوقی و سیاست‌گذاری	چارچوب‌های قانونی حفاظت از فضای سبز و باغات - ارزیابی عملکرد نهادهای ذی‌ربط - نقد سیاست‌های تغییر کاربری باغات	بررسی تأثیر قانون حفظ و گسترش - فضای سبز (۱۳۵۹) - نقد سیاست‌های شهرداری در حوزه تغییر کاربری باغات
مطالعات ویژه باغات تهران	ابعاد کالبدی و ساختاری باغات (ساختار فضایی، فرم، عناصر منظر) - نقش زیست‌محیطی و اقلیمی باغات در بهبود کیفیت هوای شهری و کنترل دما - چالش‌های حفاظت و احیای باغات - مشارکت اجتماعی و گفتمان عمومی	تحلیل کالبدی باغات تهران و روند تغییرات آن - بررسی نقش باغات در کاهش اثرات جزیره حرارتی - مطالعات مشارکت مردمی در حفاظت باغات

مطالعات تاریخی - کالبدی باغات تهران

باغات تهران به عنوان مؤلفه‌ای کلیدی در ساختار کالبدی و میراث فرهنگی - طبیعی شهر، در پژوهش‌های متعددی مورد توجه قرار گرفته‌اند. رویکردهای تاریخی - کالبدی عمدتاً بر تحلیل فرآیندهای تاریخی شکل‌گیری، ساختار فضایی، شاخصه‌های طراحی و عوامل مؤثر بر پایداری یا تخریب این باغات متمرکز است. این مطالعات ضمن تبیین اهمیت باغات در منظرسازی شهری، به ضرورت حفظ و احیای الگوهای سنتی باغسازی اشاره دارند.

مطالعه شیبانی و همکاران (۱۳۹۶) از جمله پژوهش‌های برجسته در این حوزه است که روند تحول باغ‌های قاجاری تهران را در چارچوب توسعه شهری مدرن تحلیل کرده است. این تحقیق با بهره‌گیری از داده‌های تاریخی و نقشه‌برداری‌های تطبیقی، نشان می‌دهد که گسترش سریع شهری موجب تضعیف گسترده باغات تاریخی شده است؛ با این حال، برخی باغ‌ها همچون نیاوران و ده ونک توانسته‌اند به نحو قابل توجهی ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و زیستی خود را حفظ کنند. این مطالعه بر ضرورت رویکرد یکپارچه و بازسازی اصول باغسازی سنتی تأکید دارد که می‌تواند راهبردی مؤثر در تحقق پایداری زیست‌محیطی و فرهنگی شهر باشد (شیبانی و همکاران، ۱۳۹۶).

جانی‌پور (۱۴۰۱) در بررسی شاخصه‌های طراحی باغ‌های ایرانی تاریخی، به واکاوی عمیق عناصر کالبدی و روابط فضایی مؤلفه‌های باغ پرداخت. وی با نقد تقلید صرف از الگوهای سنتی در طراحی‌های نوین، ضرورت بهره‌گیری هوشمندانه از اصول باغسازی ایرانی را در قالبی متناسب با مقتضیات معاصر مطرح کرده است. این پژوهش ضمن معرفی چارچوبی مفهومی برای تلفیق سنت و نوآوری، اهمیت باغسازی تاریخی را در حفظ هویت منظرهای شهری برجسته ساخته است (جانی‌پور، ۱۴۰۱).

نخعی و همکاران (۱۴۰۰) با تمرکز بر چالش کم‌آبی در باغ‌های تاریخی مناطق خشک ایران، راهکارهایی فنی - زیست‌محیطی برای باززنده‌سازی این باغات ارائه کرده‌اند. این مطالعه با تلفیق اصول باغ ایرانی و تکنیک‌های خشک‌منظرسازی، مدلی پایدار با تأکید بر انتخاب گونه‌های گیاهی کم‌آبر، اصلاح خاک و استفاده از

سیستم‌های آبیاری نوین تدوین نموده است. یافته‌ها حاکی از امکان حفظ اصالت باغ و کاهش مصرف آب در شرایط اقلیمی دشوار است (نخعی و همکاران، ۱۴۰۰).

اعطا و همکاران (۱۴۰۲) روند تخریب و تغییر کاربری باغ‌های تاریخی تهران را طی دوره ۱۳۵۷-۱۳۹۸ مورد آسیب‌شناسی قرار داده‌اند. تحلیل سیاست‌های حفاظتی، بررسی تعارض منافع عمومی و خصوصی و کمبود هماهنگی نهادی از مهم‌ترین نتایج این پژوهش است که نشان می‌دهد موانع ساختاری و مدیریتی، حفاظت باغات را به شدت مختل کرده‌اند (اعطا و همکاران، ۱۴۰۲).

مرتاضی مهربانی و همکاران (بدون تاریخ) پروژه احیای باغ ایرانی ونک را به عنوان نمونه‌ای موفق باززنده‌سازی الگوی باغ تاریخی ایرانی معرفی کرده‌اند. این پروژه که در باقی‌مانده باغ مستوفی ونک اجرا شده، ضمن حفظ ساختار تاریخی باغ، تأثیر مثبت قابل توجهی بر تقویت هویت محله و منظر شهری برجای گذاشته است (مرتاضی مهربانی و همکاران، بدون تاریخ).

نجفی تروجنی و همکاران (۱۴۰۱) با استفاده از نظریه ساختار زنده، ساختار کالبدی باغ‌های صفوی بهشهر را تحلیل کرده و راهبردهای باززنده‌سازی سازگار با ارزش‌های تاریخی را ارائه کردند. این پژوهش از منظر طراحی منظر سبز و حفاظت ارزش‌های تاریخی، چارچوبی نظری-عملی برای احیای باغات تاریخی فراهم ساخته است (نجفی تروجنی و همکاران، ۱۴۰۱).

مطالعات معاصر: ابعاد اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی

حوزه مطالعات معاصر باغات تهران بیش از پیش به ابعاد اجتماعی-فرهنگی و زیست‌محیطی آنها پرداخته است. در این رویکردها، باغات به عنوان نمادهای هویتی و فضای زیستی مهم در شکل‌گیری دلبستگی محلی، ارتقای کیفیت زندگی شهری و توسعه گفتمان‌های اجتماعی مطرح شده‌اند.

عاملی و اخوان (۱۳۹۹) با استفاده از تحلیل محتوای کیفی سفرنامه‌های تاریخی، باغات تهران را نمادهای حافظه جمعی و هویت شهری شناسایی کردند. یافته‌های آنان حاکی از آن است که این فضاها به عنوان مکان‌هایی آرامش‌بخش و مامن فرهنگی برای شهروندان و بازدیدکنندگان عمل می‌کنند و زمینه‌ساز مشارکت مدنی در حفاظت از باغات هستند (عاملی و اخوان، ۱۳۹۹).

رفیعیان و همکاران (۱۳۹۸) در مطالعه میدانی در محله اختیاریه، نقش باغات را در شکل‌گیری دلبستگی محلی و حمایت اجتماعی از حفظ آنها بررسی نمودند. نتایج نشان می‌دهد باغات با ایجاد فضای خاطره‌انگیز و طبیعی، بستری برای شکل‌گیری گفتمان محلی حمایت‌گر ایجاد کرده‌اند که این امر به پایداری باغات کمک می‌کند (رفیعیان و همکاران، ۱۳۹۸).

رضایی و همدانی (۱۴۰۰) با تحلیل گفتمان رسانه‌ای در شبکه‌های اجتماعی، نقش رسانه‌های نوین در افزایش آگاهی عمومی و ایجاد فشار اجتماعی بر نهادهای مسئول جهت حفاظت از باغات را برجسته ساختند. این پژوهش نشان می‌دهد فضای مجازی می‌تواند به عنوان بستری برای سازمان‌دهی مطالبات مدنی و ارتقای پاسخگویی نهادهای حاکمیتی عمل کند (رضایی و همدانی، ۱۴۰۰).

جمشیدی و کاظمی (۱۳۹۷) ضمن بررسی باغات تهران از منظر نظریه «حق بر شهر»، بر این نکته تأکید کردند که حفاظت از باغات صرفاً یک مسئله کالبدی نیست، بلکه بخشی جدایی‌ناپذیر از حقوق اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهروندان به شمار می‌رود. آنان مشارکت فعال مردم در فرآیندهای تصمیم‌گیری شهری و شکل‌گیری گفتمانی مبتنی بر حقوق شهروندی را کلید پایداری باغات دانستند (جمشیدی و کاظمی، ۱۳۹۷).

جدول ۱. مطالعات با رویکرد تاریخی درباره باغات تهران

نویسنده / سال	رویکرد پژوهش	موضوع پژوهش	یافته کلیدی	نتایج پژوهش	پیشنهادات
شیبانی و همکاران (۱۳۹۶)	تاریخی- کالبدی	تحول باغ‌های قاجاری تهران	تخریب بر اثر توسعه شهری	بخش بزرگی از باغات نابود شده‌اند، اما برخی (مانند نیاوران) ارزش‌های زیستی و تاریخی خود را حفظ کرده‌اند	احیای اصول باغسازی سنتی در بستر توسعه پایدار
جانی‌پور (۱۴۰۱)	طراحی منظر	طراحی باغ‌های ایرانی تاریخی	ضرورت بومی‌سازی طراحی معاصر	تقلید سطحی از الگوی باغ ایرانی ناکارآمد است و باید با اصول مفهومی تطبیق یابد	ترکیب سنت و نوآوری در طراحی‌های جدید
نجفی تروجنی و همکاران (۱۴۰۱)	نظری- طراحی	ساختار کالبدی باغ‌های صفوی بهشهر	چارچوب نظری مبتنی بر "ساختار زنده"	نظریه ساختار زنده امکان تحلیل لایه‌مند و احیای هدفمند باغ‌ها را فراهم می‌کند	احیای ارزش‌محور و سازگار با تاریخ باغ
عاملی و اخوان (۱۳۹۹)	فرهنگی- هویتی	حافظه جمعی در سفرنامه‌ها	باغ‌ها به‌مثابه مکان آرامش و هویت	خاطرات تاریخی از باغات، عامل هویت‌بخشی شهری هستند و مشارکت عمومی را برمی‌انگیزند	بازتولید حافظه جمعی در سیاست‌های حفاظتی

حیدرنتاج (۱۳۹۲)	طراحی منظر	بازسازی باغ مستوفی با الگوی باغ ایرانی	حفظ ساختار تاریخی باغ	بازسازی با الگوی باغ ایرانی باعث تقویت هویت محله و منظر شهری شده است	استفاده از الگوی باغ ایرانی در بازسازی باغات تاریخی
زیودار و شیبانی (۱۳۹۶)	تاریخی- کالبدی	تحول باغ‌های تهران در نسبت با شهر	تخریب باغات به دلیل توسعه شهری	اکثر باغ‌ها تخریب شده‌اند؛ برخی مانند نیاوران و ده ونک ارزش‌های تاریخی خود را حفظ کرده‌اند	شناخت یکپارچه و بازیابی الگوی باغ در تهران
نویسنده نامشخص (۱۳۸۲)	تاریخی- کالبدی	شاخص‌ها و ویژگی‌های باغسازی دوران قاجار در تهران	تخریب باغات قاجاری	باغ‌های قاجاری تخریب شده‌اند و تعداد کمی باقی مانده‌اند	شناسایی و حفاظت از باغات باقی‌مانده

جدول ۲. مطالعات معاصر درباره باغات تهران

نویسنده / سال	رویکرد پژوهش	موضوع پژوهش	یافته کلیدی	نتایج پژوهش	پیشنهادات
نخعی و همکاران (۱۴۰۰)	محیط‌زیستی	چالش کم‌آبی در باغ‌ها	ترکیب اصول باغ ایرانی با خشک‌منظرسازی	با انتخاب گونه‌های مقاوم و اصلاح خاک، احیای پایدار در اقلیم خشک ممکن است	طراحی سازگار با کم‌آبی همراه با حفظ اصالت تاریخی
اعطا و همکاران (۱۴۰۲)	مدیریتی- سیاستی	تخریب و تغییر کاربری	تعارض منافع و ناهماهنگی نهادی	ضعف سیاست‌گذاری و فشار سرمایه‌گذاری مانع حفاظت مؤثر از باغات شده است	تدوین سیاست‌های یکپارچه و الزام‌آور در سطح ملی و محلی
مرتاضی مهربانی و همکاران (بدون تاریخ)	احیای موضعی	پروژه احیای باغ ونک	حفظ ساختار باغ و هویت محله	احیا در مقیاس محله‌ای باعث ارتقای هویت، منظر شهری و پیوند اجتماعی شده است	استفاده از ظرفیت احیای موضعی در سایر باغ‌های نیمه‌فعال
رفیعیان و همکاران (۱۳۹۸)	اجتماعی- محله‌ای	دلبستگی محلی به باغات	ایجاد گفتمان حمایتی در سطح محله	پیوند عاطفی و خاطره‌انگیز میان ساکنان و باغ، عامل مقاومت در برابر تغییر کاربری است	تقویت فعالیت‌های محله‌محور برای حفاظت از باغ‌ها

رضایی و همدانی (۱۴۰۰)	رسانه‌های اجتماعی - اجتماعی	تحلیل گفت‌وگومان شبکه‌های اجتماعی	فضای مجازی ابزاری برای آگاهی‌بخشی	رسانه‌های اجتماعی فشار عمومی بر نهادها را افزایش می‌دهند و موجب پاسخگویی بیشتر می‌شوند	بهره‌برداری راهبردی از شبکه‌های اجتماعی برای حفاظت شهری
جمشیدی و کاظمی (۱۳۹۷)	حقوق شهری	حق بر شهر و باغات	باغ به‌عنوان بخش از حق زیستن در شهر	حفاظت باغات نه تنها مسئله کالبدی، بلکه مسئله‌ای حقوقی و اجتماعی است	مشارکت شهروندان در فرایند تصمیم‌سازی شهری
بهرامی و اکبری (۱۳۹۵)	توسعه شهری	تأثیر تحول باغ‌ها بر شهر	تأثیر متقابل تحول باغات و توسعه شهر	تحول باغات تأثیر مستقیم بر ساختار شهری دارد	حفظ و احیای باغات برای پایداری شهری

پیشینه پژوهش‌ها نشان می‌دهد که باغات تاریخی تهران، علاوه بر ارزش‌های کالبدی و تاریخی، از جایگاه ویژه‌ای در تقویت هویت فرهنگی و اجتماعی شهر برخوردارند. این باغات به‌عنوان نمادهایی از میراث طبیعی و فرهنگی، نقش مهمی در پویایی فضای شهری و ارتقاء کیفیت زندگی شهروندان ایفا می‌کنند. با این حال، مطالعات موجود به‌طور مکرر به چالش‌های ساختاری و نهادی در حوزه حفاظت و مدیریت باغات اشاره کرده‌اند که شامل نبود هماهنگی مؤثر میان دستگاه‌های متولی، ضعف در سیاست‌گذاری جامع و کمبود مشارکت فعال جوامع محلی است. این مسائل موجب شده است تا حفاظت از باغات تاریخی با مشکلات عدیده‌ای مواجه شود.

علاوه بر این، پژوهش‌ها نشان می‌دهد که خلأ قابل توجهی در رویکردهای میان‌رشته‌ای، به‌ویژه در حوزه تحلیل گفت‌وگومان و مدیریت مشارکتی باغات وجود دارد. تحلیل گفت‌وگومان به عنوان ابزاری تحلیلی، قابلیت بازنمایی و فهم ادراکات و روایت‌های مختلف مردم درباره باغات را دارد که می‌تواند به غنی‌سازی فرآیندهای تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری در این حوزه کمک کند. همچنین، کمبود مدل‌های پایدار و مشارکتی برای احیا و نگهداری باغات تاریخی، ضرورت گسترش تحقیقات در این زمینه‌ها را بیش از پیش نمایان می‌سازد. یکی از مهم‌ترین کمبودهای مطالعاتی در این حوزه، عدم توجه مستقل و عمیق به نقش گفت‌وگومان مردم در حفاظت و احیای باغات است. نقش مردم در شکل‌دهی به روایت‌ها، ادراکات و حافظه جمعی نسبت به باغات، می‌تواند به عنوان یک محور مهم در ارتقاء سیاست‌گذاری‌های شهری و برنامه‌های حفاظتی مورد توجه قرار گیرد. به همین دلیل، توصیه می‌شود پژوهش‌هایی با رویکردهای کیفی همچون تحلیل گفت‌وگومان، قوم‌نگاری شهری و خاطره‌نگاری فضایی به منظور درک بهتر ابعاد اجتماعی و فرهنگی باغات صورت گیرد تا باغات نه تنها از منظر کالبدی، بلکه به‌مثابه موضوعاتی اجتماعی و فرهنگی مورد مطالعه و حفاظت قرار گیرند. در مطالعات انجام شده پیرامون باغات تاریخی و باغات موجود در شهر تهران، عمدتاً توجه پژوهشگران به جنبه‌های کالبدی، اقلیمی، زیست‌محیطی و اقتصادی معطوف بوده است. این رویکردها شامل بررسی ساختار هندسی باغات، تأثیرات اقلیمی و زیست‌محیطی آنها مانند کاهش آلودگی و تعدیل دما، همچنین تحلیل‌های اقتصادی مانند ارزش‌گذاری و تأثیرات بازار املاک می‌باشد. با این حال، جنبه‌های معنایی، ذهنی و نمادین باغات و همچنین نقش آنها در

منظر شهری و گفتمان شهری تا حد زیادی در این مطالعات مغفول مانده است یا به صورت پراکنده و کم عمق مورد بررسی قرار گرفته‌اند. به عبارت دیگر، باغات به عنوان نمادهای فرهنگی، عناصر هویت بخش و مولد گفتمان شهری در تحقیقات کم تر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

این خلا پژوهشی، فرصت ارزشمندی برای مطالعات میان‌رشته‌ای در آینده فراهم می‌کند تا از منظرهای جامعه‌شناسی شهری، روان‌شناسی محیطی، طراحی منظر و مطالعات فرهنگی به بررسی جنبه‌های معنایی باغات و ارتباط آنها با حس تعلق، خوانایی منظر و هویت شهری بپردازند.

جدول ۳. حوزه های مطالعاتی و وضعیت پژوهشی باغات تهران

حوزه مطالعاتی	مؤلفه کلیدی	توضیح کاربردی/تحلیلی	وضعیت پژوهشی
زیست محیطی	شبکه اکولوژیک شهری	حفظ پیوستگی عملکردی و زیستی میان باغات، پارک‌ها، بوستان‌ها و سایر فضاهای سبز در قالب یک سیستم یکپارچه.	مورد توجه گسترده پژوهشگران
میراث فرهنگی	اصالت تاریخی باغ	حفاظت از الگوی هندسی، ساختار معماری سنتی (مانند کوشک، آبراه، دیوار)، و کارکرد تاریخی باغ در گذر زمان.	مطالعات متعددی در حوزه میراث وجود دارد
حقوقی ^{۱۵}	تثبیت مالکیت و کاربری	شفاف‌سازی و تثبیت حقوق مالکانه با کاربری فضای سبز، جلوگیری از تغییر کاربری باغات به مسکونی یا تجاری.	حوزه‌ای فعال با قوانین و مقررات متعدد
اجتماعی	دسترسی‌پذیری عمومی	فراهم‌سازی امکان استفاده عمومی از باغات در قالب فضاهای فرهنگی یا عمومی مانند باغ‌موزه‌ها، با رفع انحصار.	مطالعاتی محدود و پراکنده
برنامه‌ریزی شهری	ادغام در اسناد و طرح‌ها	درج باغات در طرح‌های جامع و تفصیلی شهری و لحاظ کردن آنها در راهبردهای توسعه پایدار و مقاوم‌سازی شهری.	حوزه‌ای با فعالیت‌های اجرایی و پژوهشی
اجرایی و مدیریتی	مشارکت نهادی و مردمی	ایجاد سازوکارهای مشارکتی بین شهرداری، نهادهای میراث فرهنگی و ساکنان محله برای حفاظت و	در حال توسعه و نیازمند مدل‌های مشارکتی بهتر

	بهره‌برداری مشترک		
حوزه مغفول و کم‌مطالعه؛ ظرفیت بالا برای تحقیقات آینده	باغ به‌عنوان نماد هویت فرهنگی و فضای ذهنی شهروندان، نقش باغ در گفتمان شهری، حس تعلق مکانی و خوانایی منظر	نماد ذهنی و جنبه‌های معنایی باغ	منظر شهری و گفتمان شهری □

مبانی نظری:



منظر شهری به عنوان بخشی از فضای شهری که توسط ناظر دریافت و تجربه می‌شود، مفهومی چندبعدی و پویا است که از تعامل دو بعد عینی (کالبدی و بصری) و ذهنی (ادراکی، فرهنگی، تاریخی و عاطفی) شکل می‌گیرد. این دو بعد که غیرقابل تفکیک هستند، در تعامل مداوم با یکدیگر، کیفیت و ماهیت منظر شهری را تعیین می‌کنند (مقاله «مروری بر تعاریف منظر شهری»، سیویلیکا؛ سایت ابوخاکسازان). منظر شهری نه تنها در بعد زیبایی‌شناسی بلکه به عنوان عاملی کلیدی در ارتقاء کیفیت زندگی، تقویت هویت و تعلق اجتماعی شهروندان اهمیت دارد. رویکردهای نوین منظر شهری بر ضرورت نگاه فراتر از ابعاد صرفاً کالبدی تأکید دارند و منظر را

فرآیندی اجتماعی، پدیدارشناسانه و نشانه‌شناسانه می‌دانند که توسط تعامل کاربران فضا و نیروهای مؤثر بر محیط تولید و بازتولید می‌شود (مطالعه «تدوین چارچوب نظری منظر شهری»، دانشگاه کردستان، ۱۴۰۰).

با توجه به نظریات کوروش گلکار و مطالعات معاصر، منظر شهری مفهومی پیچیده و چندوجهی است که از تعامل عمیق کالبد فیزیکی و تجربه‌های ذهنی-عاطفی شهروندان شکل می‌گیرد. این مفهوم فراتر از شکل و فرم فیزیکی شهر است و هویت، فرهنگ و تاریخ جامعه شهری را بازتاب می‌دهد. از این رو، در فرآیندهای برنامه‌ریزی و طراحی شهری ضروری است که ابعاد عینی، ذهنی و عاطفی منظر شهری به طور همزمان مدنظر قرار گیرند تا کیفیت زندگی و هویت شهری ارتقا یابد. منظر شهری را پدیده‌ای زنده و پویا می‌باشد که از تعامل دو جنبه عینی (کالبدی) و ذهنی (ادراکی) شکل می‌گیرد و این دو جنبه غیرقابل تفکیک هستند. او چهار مرحله تحول نگرش به منظر شهری را مطرح می‌کند که از تمرکز صرف بر زیبایی‌شناسی تا نگرش جامع و پایدار به منظر پیش می‌رود. گفتمان منظر شهری در نظر گلکار، تلفیقی از کالبد، تجربه ذهنی و عاطفی و فرهنگ جامعه است و منظر را به عنوان فرآیندی چندبعدی و اجتماعی می‌بیند که کیفیت زندگی و هویت شهری را شکل می‌دهد (گلکار، ۱۳۸۵). منظر شهری را بیش از یک موضوع برنامه‌ریزی صرف بوده و مرتبط با ارزش‌ها، اهداف انسانی و مسئولیت‌های اجتماعی جامعه است. به همین دلیل، منظر شهری باید به عنوان یک فرآیند چندبعدی و پویا که با تجربه و ادراک شهروندان در ارتباط است، مورد توجه قرار گیرد. منظر شهری فراتر از صرفاً مجموعه‌ای از عناصر کالبدی و بصری است؛ بلکه فرآیندی زنده و پویا است که در آن گفتمان میان کاربران فضا، کالبد شهر و معنای محیط به وقوع می‌پیوندد. به بیان دیگر، گفتمان منظر شهری نقطه تلاقی میان کالبد فیزیکی شهر و تجربه‌های ذهنی، فرهنگی و عاطفی شهروندان است که در قالب عناصر منظر تجلی می‌یابد. (گلکار، ۱۳۸۵).

با پیشرفت جوامع شهری و نزدیک شدن به دوران معاصر، این گفتمان دستخوش تحولات بنیادین شده است. در دوره‌های گذشته، تمرکز عمده بر جنبه‌های صرفاً کالبدی و زیبایی‌شناسانه منظر بود، اما امروزه گفتمان منظر شهری شامل هر دو جنبه کالبدی (عینی) و معنایی (ذهنی و عاطفی) شده است. این تحول رویکرد باعث شده است تا منظر شهری نه تنها به عنوان محصولی از عناصر فیزیکی بلکه به عنوان نمادی پیچیده از تاریخ، فرهنگ، هویت و ارزش‌های اجتماعی شناخته شود که در تعامل مستمر با مخاطبان و کاربران شهر شکل می‌گیرد (گلکار، ۱۳۸۵). منظر شهری را فراتر از یک پدیده صرفاً کالبدی است که این مفهوم سه بعد اصلی دارد:

- **بعد عینی (کالبدی):** فرم، ساختار، سیمای شهری، الگوهای فضایی و کالبدی که به صورت عینی قابل مشاهده و سنجش است.
- **بعد ذهنی (ادراکی):** تجربه و ادراک شهروندان نسبت به فضا که تحت تأثیر دانش، حافظه و فرهنگ آن‌ها قرار دارد.
- **بعد عاطفی:** احساسات، خاطرات، تعلق و هویت که منظر برای افراد ایجاد می‌کند و پیوندهای عمیق انسانی با فضا را شکل می‌دهد.

همچنین فرآیند تکامل نگرش به منظر شهری را در چهار مرحله طبقه‌بندی می‌کند:

- منظر آرایشی-تزئینی: نگرش اولیه و محدود به زیبایی ظاهری.
- منظر عملکردی-برنامه‌محور: تمرکز بر کارکردهای شهری و برنامه‌ریزی فضایی.
- منظر ادراکی-زمینه‌گرا: توجه به تجربه‌های ادراکی و عوامل زمینه‌ای مانند فرهنگ و تاریخ.
- منظر پایدار-هوشمند: نگرشی جامع که پایداری محیطی، فرهنگی و اجتماعی را در برمی‌گیرد.

مولفه‌های کلیدی:

- فرم و ساختار کالبدی
- الگوهای بصری و سیمای شهری
- تجربه ادراکی و ذهنی
- هویت و حافظه جمعی
- ارزش‌ها و احساس تعلق
- پایداری فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی

لوئیس مانفرد، معمار و نظریه‌پرداز آمریکایی، منظر شهری را مجموعه‌ای از عناصر بصری و کالبدی می‌داند که از طریق نحوه ادراک و تجربه انسانی معنا پیدا می‌کنند. او بر اهمیت «خوانایی منظر» تأکید می‌کند و معتقد است که منظر شهری باید به گونه‌ای طراحی شود که کاربران بتوانند به راحتی فضا را درک کرده و جهت‌گیری یابند. مانفرد همچنین منظر شهری را پلی میان محیط ساخته شده و تجربه‌های انسانی می‌داند که فرهنگ، حافظه و ارزش‌های جمعی را منتقل می‌کند. (Manfred, 1990) او تأکید می‌کند که برای معناپذیر شدن منظر، باید «خوانایی» آن تضمین شود تا کاربران به راحتی بتوانند اجزا و الگوهای شهری را درک کنند. این خوانایی باعث می‌شود که فضا علاوه بر عملکرد، دارای انسجام فرهنگی و حافظه تاریخی باشد.

مولفه‌های کلیدی:

- خوانایی منظر (Legibility)
- عناصر شاخص و نشانه‌ها
- ارتباط میان فرم و تجربه انسانی
- انتقال حافظه و فرهنگ
- نظم و انسجام بصری

ادوارد رلف، یکی از پیشگامان طراحی منظر، منظر شهری را «فضایی برای تعامل انسان با محیط» می‌داند که عناصر طبیعی و ساخته دست انسان در آن با هم ترکیب شده‌اند. او معتقد است منظر شهری باید علاوه بر زیبایی، عملکردی و قابل فهم برای کاربران باشد و به گونه‌ای طراحی شود که تجربه روان و مثبت در کاربران ایجاد کند. رلف به اهمیت ترکیب منظر طبیعی و مصنوع در خلق محیط شهری پایدار تأکید می‌کند (Rolf, 1995). این منظر علاوه بر زیبایی باید عملکردی و کاربرپسند باشد و تجربه مثبت و روانی را برای کاربران فراهم کند. او بر اهمیت تلفیق عناصر طبیعی و مصنوع در منظر تأکید دارد و منظر را فرآیندی پویا و چندوجهی می‌داند.

مولفه‌های کلیدی:

- ترکیب عناصر طبیعی و ساخته شده
- عملکرد و کاربرپسندی
- زیبایی‌شناسی منظر
- پایداری محیطی
- ایجاد تجربه مثبت برای کاربران

لینچ و هیلیر نظریه خوانایی منظر شهری را مطرح کردند که هدف آن افزایش فهم و جهت‌یابی در فضای شهری است. آن‌ها معتقدند که یک منظر شهری خوانا باید دارای نشانه‌ها، مسیرها، نقاط گره و کانون‌های مشخص باشد تا کاربران بتوانند به راحتی مسیر خود را پیدا کنند و احساس امنیت و راحتی داشته باشند. این دو محقق با نظریه «خوانایی منظر (Legibility of Urban Landscape)» بر این باورند که منظر شهری باید ساختارمند و قابل فهم باشد تا افراد بتوانند به سادگی در آن حرکت کنند و حس امنیت و راحتی داشته باشند. خوانایی منظر به معنای وجود نشانه‌ها، المان‌های شاخص و ترتیب منطقی در فضای شهری است که باعث می‌شود شهر برای کاربران قابل درک و معنا باشد. (Lynch, 1960)

مولفه‌های کلیدی:

- مسیرها (Paths): راه‌ها و خیابان‌هایی که حرکت را ممکن می‌سازند
- لبه‌ها (Edges): مرزها یا جداکننده‌ها
- نواحی (Districts): بخش‌های مشخص شهری با ویژگی‌های مشترک
- نقاط گره (Nodes): محل‌های تلاقی مسیرها یا مراکز توجه
- نشانه‌ها (Landmarks): المان‌های شاخص و قابل تشخیص

جلالی منظر شهری را نه تنها به عنوان محصولی از اجزای کالبدی بلکه به عنوان پدیده‌ای اجتماعی-فرهنگی می‌بیند که در آن عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نقش محوری دارند. او تأکید دارد که منظر شهری حاصل تعامل پیچیده میان فضا، زمان و فرهنگ است و می‌تواند بازتاب هویت و خاطرات جمعی باشد. جلالی به ضرورت توجه به ابعاد معنایی منظر در برنامه‌ریزی شهری اشاره می‌کند و معتقد است که بدون در نظر گرفتن این ابعاد، طراحی شهری ناقص خواهد بود (جلالی، ۱۳۹۰). او تأکید می‌کند که منظر باید دارای معنا و مفاهیم فرهنگی باشد تا هویت‌بخش و انسجام‌دهنده جامعه شهری باشد.

مولفه‌های کلیدی:

- هویت فرهنگی و اجتماعی
- خاطرات و ارزش‌های جمعی
- تعامل میان فضا و فرهنگ
- معنا و ارزش‌های ذهنی
- ارتباط تاریخی و اجتماعی

دیدگاه‌های مختلف محققین در مورد منظر شهری بر این نکته تأکید دارند که منظر صرفاً کالبدی یا بصری نیست بلکه فرآیندی پیچیده است که در آن فضا، تجربه انسانی، فرهنگ، تاریخ و معنا با هم ترکیب می‌شوند. کوروش گلکار با معرفی چهار مرحله تحول نگرش به منظر، روند تکامل رویکردهای منظر را نشان می‌دهد و بر گفت‌وگو میان کالبد و معنا تأکید دارد. مانفرد و رلف بر تجربه و عملکرد انسانی منظر تأکید می‌کنند و کالوین و هیلیر اهمیت خوانایی و ساختارمند بودن منظر را برجسته می‌سازند. محققان ایرانی نیز بر نقش فرهنگ، هویت و حافظه جمعی در شکل‌گیری منظر شهری تأکید دارند. این دیدگاه‌ها در کنار هم چارچوب نظری غنی و چندبعدی برای فهم و برنامه‌ریزی منظر شهری فراهم می‌کنند که هم ابعاد فیزیکی و هم روانی-فرهنگی را دربرمی‌گیرد و می‌تواند به ارتقاء کیفیت زندگی و هویت شهری کمک کند. با ترکیب این دیدگاه‌ها، منظر شهری به عنوان پدیده‌ای چندبعدی و زنده تعریف می‌شود که:

- هم بعد عینی کالبدی و بصری دارد،
- هم بعد ذهنی و ادراکی که ناشی از تجربه و فرهنگ شهروندان است،
- و هم بعد عاطفی که ارتباط عمیق انسانی و هویت را شکل می‌دهد.

مولفه‌های کلیدی منظر شهری در این چارچوب شامل فرم، ساختار، خوانایی، نشانه‌ها، تجربه ادراکی، هویت فرهنگی، خاطرات جمعی و پایداری است که همه باید در برنامه‌ریزی و طراحی شهری مدنظر قرار گیرند تا کیفیت زندگی و تعلق اجتماعی در شهر ارتقا یابد.

گفتمان شهری مجموعه‌ای از باورها، ارزش‌ها و روایت‌های جمعی است که در قالب سیاست‌ها، برنامه‌ها و رفتارهای اجتماعی، معنا و کارکرد فضاهای شهری را تعیین می‌کند. باغات تاریخی تهران به‌عنوان بخشی از میراث ملموس و ناملموس شهر، همواره در مرکز گفتمان‌های هویتی، زیست‌محیطی و اجتماعی قرار داشته‌اند. این فضاها نه تنها مکان‌هایی برای آسایش و فراغت، بلکه بستری برای شکل‌گیری و بازتولید هویت شهری، حافظه جمعی و روابط اجتماعی‌اند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱). هر زمان که گفتمان غالب شهری بر ارزش‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی باغات تأکید داشته، سیاست‌های حفاظتی و برنامه‌های احیا نیز تقویت شده‌اند. اما هنگامی که منطق سودمحور و نگاه کالایی به زمین و فضا بر سیاست‌گذاری‌ها چیره شده، باغات در معرض تهدید تغییر کاربری، تخریب یا محصورسازی قرار گرفته‌اند (رفیعیان، ۱۳۹۵). بنابراین، گفتمان شهری نقش تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت باغات ایفا می‌کند. گفتمان شهری، فرآیندی ساختارمند و مشارکتی میان ذینفعان مختلف شهر از جمله شهروندان، متخصصان، نهادهای مدنی و حکومتی است (زیاری و همکاران، ۱۳۹۵).

جدول ۴. منظر شهری (مولفه‌ها و ویژگی‌ها)

منظر شهری / منبع	تعریف و دیدگاه کلی منظر شهری	ابعاد منظر شهری	مراحل / رویکردها	مولفه‌ها و ویژگی‌های کلیدی
کوروش گلکار	منظر شهری پدیده‌ای زنده، چندبعدی و اجتماعی است که از تعامل کالبد فیزیکی و تجربه‌های ذهنی-عاطفی شکل می‌گیرد. فراتر از شکل فیزیکی، بازتاب هویت، فرهنگ و تاریخ است.	-بعد عینی (کالبدی)- بعد ذهنی (ادراکی)- بعد عاطفی	۱. منظر آرایشی- تزیینی ۲. منظر عملکردی-برنامه‌محور ۳. منظر ادراکی- زمینه‌گرا ۴. منظر پایدار- هوشمند	-فرم و ساختار کالبدی- تجربه ادراکی و ذهنی- هویت و تعلق اجتماعی- پایداری فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی
لوئیس مانفرد	منظر شهری مجموعه‌ای از عناصر بصری و کالبدی است که از طریق ادراک و تجربه انسانی معنا می‌یابد. تأکید بر «خوانایی منظر» برای درک و جهت‌یابی راحت کاربران دارد.	-ابعاد کالبدی و ادراکی	- -	-خوانایی منظر (Legibility)- نشانه‌ها و عناصر شاخص- انتقال حافظه و فرهنگ- انسجام بصری و نظم
ادوارد رلف	منظر شهری فضایی برای تعامل انسان با محیط است، ترکیبی از عناصر طبیعی و ساخته شده. باید	-ابعاد طبیعی و مصنوع	- -	-ترکیب عناصر طبیعی و ساخته شده- عملکرد و کاربرپسندی- زیبایی‌شناسی- پایداری محیطی-

تجربه مثبت کاربر			عملکردی، زیبا و کاربرپسند باشد.	
مسیرها - (Paths) لبه‌ها - (Edges) نواحی - (Districts) نقاط گره نشانه‌ها (Nodes) - (Landmarks)	--	-ساختار و نشانه‌های بصری	نظریه خوانایی منظر شهری با هدف افزایش فهم، جهت‌یابی و امنیت کاربران. منظر باید ساختارمند و قابل فهم باشد.	کوبین لینچ و هیلیر
-هویت فرهنگی و اجتماعی - خاطرات و ارزش‌های جمعی - تعامل میان فضا و فرهنگ - معنا و ارزش‌های ذهنی - ارتباط تاریخی و اجتماعی	--	-اجتماعی و فرهنگی	منظر شهری پدیده‌ای اجتماعی - فرهنگی است که در آن عوامل تاریخی، فرهنگی و اجتماعی نقش دارند. بازتاب هویت و خاطرات جمعی است و ابعاد معنایی اهمیت دارد.	جلالی
-فرم و ساختار - خوانایی و نشانه‌ها - تجربه ادراکی - هویت فرهنگی و خاطرات جمعی - پایداری فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی	--	-عینی (کالبدی) - ذهنی (ادراکی و فرهنگی) - عاطفی	منظر شهری پدیده‌ای چندبعدی، زنده و پویا است که کالبد، تجربه انسانی، فرهنگ، تاریخ و معنا را ترکیب می‌کند و کیفیت زندگی و هویت شهری را شکل می‌دهد.	جمع‌بندی کلی

هدف این فرآیند، تحلیل، برنامه‌ریزی و حل مسائل پیچیده شهری و ایجاد هماهنگی میان نیازهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و کالبدی است. دینفعان اصلی عبارت‌اند از:

- شهروندان: اصلی‌ترین کاربران فضاهای شهری
- متخصصان: ارائه‌دهندگان دانش فنی و راهبردهای طراحی
- نهادهای حکومتی: تسهیل‌گران سیاست‌ها و زیرساخت‌ها
- سازمان‌های مردم‌نهاد: تضمین‌کنندگان شفافیت و عدالت اجتماعی
- بخش خصوصی: تأمین‌کنندگان منابع مالی و اجرایی

در پروژه نوسازی بافت فرسوده تهران، تعارض میان ساکنان محلی و سرمایه‌گذاران، اهمیت گفتمان و میانجی‌گری نهادهای مستقل را نمایان می‌سازد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۹).

تحولات گفتمان شهری را می‌توان در چهار دوره تاریخی بررسی کرد:

- دوران باستان: مدیریت شهری بدون مشارکت شهروندان (شهرهای بین‌النهرین، آگورا در یونان) (فکوهی، ۱۳۹۰).
- قرون وسطی تا انقلاب صنعتی: تمرکز قدرت در دست اشراف و کلیسا، رشد سریع شهری و بروز مشکلات بهداشتی (رفیعیان، ۱۳۹۲).

- قرن بیستم: ظهور نظریه‌های مشارکتی و نقد رویکردهای بالا به پایین (بحرینی، ۱۳۹۱).
- قرن ۲۱: توسعه شهرهای هوشمند، عدالت اقلیمی و نقش شبکه‌های اجتماعی در جنبش‌های شهری (سعیدی، ۱۴۰۰).

تقویت گفتمان شهری نیازمند توجه به عوامل نهادی-حقوقی، اجتماعی-فرهنگی، فنی-اقتصادی و زیست‌محیطی است:

- عوامل نهادی-حقوقی: تمرکززدایی و شفافیت اطلاعاتی از مهم‌ترین عوامل نهادی برای تقویت گفتمان شهری هستند (مهدوی، ۱۳۹۷).
- عوامل اجتماعی-فرهنگی: ارتقای سواد شهری و سرمایه اجتماعی از طریق آموزش و مشارکت شهروندان، زمینه‌ساز تقویت گفتمان شهری است (آقاجانی و همکاران، ۱۳۹۸).
- عوامل فنی-اقتصادی: استفاده از فناوری‌های مشارکتی و تأمین مالی نوین می‌تواند مشارکت مردمی و کارآمدی پروژه‌های شهری را افزایش دهد (جهانشاهلو و همکاران، ۱۳۹۹).
- عوامل زیست‌محیطی: احیای اکوسیستم‌های شهری و حفظ فضاهای سبز با مشارکت جامعه، کیفیت زندگی شهری را بهبود می‌بخشد (حسینی، ۱۳۹۶).

شهرها نه تنها بستر فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی هستند، بلکه صحنه‌ای برای رقابت بر سر منابع محدود و بروز تضاد منافع میان گروه‌های مختلف محسوب می‌شوند (فکوهی، ۱۳۸۷). نابرابری فضایی و توزیع نامتوازن زیرساخت‌ها و امکانات، زمینه‌ساز شکل‌گیری اعتراضات و گفتمان‌های عدالت‌خواهانه است (رفعیان، ۱۳۹۵). همچنین شهرها بستر هویت‌سازی و تقابل سنت و مدرنیته هستند. حفظ عناصر سنتی و میراث فرهنگی در برابر پروژه‌های توسعه‌گرایانه، نمونه‌ای از شکل‌گیری گفتمان‌های مقاومت است (حبیبی، ۱۳۹۰). چندفرهنگی شهری نیز با توجه به مهاجرت و تنوع قومی، نیازمند مدیریت مبتنی بر احترام متقابل و پذیرش تفاوت‌هاست (سعیدی، ۱۳۹۸).

منظر شهری و گفتمان شهری، دو رکن مکمل در ارتقای کیفیت زندگی شهری و توسعه پایدار محسوب می‌شوند. منظر شهری با ایجاد حس تعلق و خوانایی، زمینه‌ساز شکل‌گیری هویت شهری و تقویت حافظه جمعی است. گفتمان شهری نیز با فراهم کردن بستر مشارکت، شفافیت و عدالت، امکان بازتعریف روابط میان ذینفعان و حفاظت از میراث شهری را فراهم می‌آورد. تحقق این اهداف، نیازمند سیاست‌گذاری جامع و مشارکتی و بهره‌گیری از ظرفیت‌های نهادی، اجتماعی، فنی و زیست‌محیطی است. تحقق گفتمان شهری کارآمد مستلزم سیاست‌گذاری‌ای است که در آن، نهادهای رسمی و غیررسمی در تعاملی شفاف و مشارکتی، منافع جمعی را بر منافع بخشی ترجیح دهند. تنها از این رهگذر می‌توان به شهری دست یافت که در آن حافظه تاریخی، هویت فرهنگی و زیست‌پذیری، هم‌زمان حفظ و بازتولید شود.

منظر شهری به‌عنوان نمود کالبدی، بصری و فضا‌مند روابط انسانی در محیط شهری، بیش از آن که صرفاً مجموعه‌ای از فرم‌ها و ساختارها باشد، آینه‌ای از روابط اجتماعی، حافظه تاریخی، و کنش‌های فرهنگی است. در این میان، گفتمان شهری به‌منزله سازوکار معنا‌بخش و قدرت‌ساز، نقشی بنیادین در شکل‌گیری، تفسیر و تحول فضاهای شهری ایفا می‌کند.

ارتباط منظر شهری و گفتمان شهری، رابطه‌ای دوسویه و دیالکتیکی است. از یک سو، منظر شهری با قابلیت‌های خوانایی، هویت‌مندی، و انسجام فضایی خود، بستر بروز، بازنمایی و تثبیت گفتمان‌های مختلف را فراهم می‌سازد. فضاهایی چون باغات شهری، میدان‌ها، خیابان‌های تاریخی و عناصر طبیعی، می‌توانند نقش‌هایی کلیدی در ایجاد پیوندهای اجتماعی و تقویت احساس تعلق ایفا کنند و از این رهگذر، به بستری برای شکل‌گیری گفتمان‌های محلی، انتقادی یا مقاومت‌گرایانه تبدیل شوند. از سوی دیگر، گفتمان شهری نیز با بهره‌گیری از زبان، سیاست، رسانه و ایدئولوژی، در تولید، بازتعریف یا حذف عناصر منظر تأثیرگذار است. هر گفتمان مسلط - خواه توسعه‌گرا، نئولیبرالی، محیط‌زیست‌گرا یا حافظه‌محور - منظری خاص از فضا را برجسته می‌سازد و سایر قرائت‌ها را به حاشیه می‌راند. این امر در شهرهایی چون تهران، با تضاد میان گفتمان رسمی (همچون گفتمان توسعه فیزیکی و سوداگری زمین) و گفتمان‌های بدیل (همچون گفتمان‌های حافظه طبیعی، عدالت فضایی یا حفاظت از باغات) نمود عینی یافته است.

بدین‌سان، منظر شهری را نه می‌توان بی‌گفتمان و خنثی تلقی کرد، و نه گفتمان را بی‌نیاز از تجلی فضایی دانست. هر دو در رابطه‌ای معنادار و تأثیرگذار بر یکدیگر قرار دارند؛ رابطه‌ای که می‌تواند در شرایطی به بازتولید سلطه و حذف حافظه تاریخی بینجامد و در شرایطی دیگر، بستر شکل‌گیری هویت جمعی، پایداری فرهنگی و مقاومت در برابر سلطه را فراهم آورد. در نتیجه، هرگونه سیاست‌گذاری، طراحی یا مداخله در منظر شهری، نیازمند درک دقیق از لایه‌های گفتمانی پنهان و پیدای آن است؛ زیرا حفظ و ارتقاء کیفیت منظر نه‌تنها اقدامی کالبدی، بلکه فرآیندی اجتماعی، سیاسی و معنایی است که مستقیماً بر کیفیت زندگی شهری، عدالت فضایی و حق به شهر تأثیر می‌گذارد.

باغات تاریخی تهران و جایگاه آن‌ها در منظر شهری

باغات تاریخی تهران، فراتر از فضاهای سبز شهری، ساختارهایی هویت‌ساز و معنا‌بخش در بستر پایتخت به شمار می‌آیند. این باغات برخلاف پارک‌های معاصر که عمدتاً کارکردی‌اند، واجد «روح مکان» هستند؛ مفهومی که حضور عناصر طبیعی، معماری سنتی و لایه‌های تاریخی را با تجربه زیسته شهروندان پیوند می‌زند (رفیعیان، ۱۳۹۵). نمونه‌هایی مانند باغ فردوس، باغ ملی و باغ نگارستان، نه‌تنها به‌عنوان عناصر سبز شهری بلکه به‌عنوان نمادهایی از هویت تاریخی و فرهنگی شهر در حافظه جمعی تهرانی‌ها جایگاهی ممتاز دارند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).

این فضاها بستری برای تجربه زیسته، شکل‌گیری خاطره جمعی و تولید گفتمان شهری فراهم می‌آورند. یافته‌های پژوهش‌های کیفی نشان می‌دهد که باغات تاریخی نقش بنیادینی در تقویت حس تعلق، بازتولید حافظه جمعی و تولید گفتمان شهری ایفا می‌کنند. با این حال، روندهای توسعه‌گرایانه، منطبق سودمحور سرمایه‌داری شهری و تغییرات جمعیتی، تهدیدی جدی برای تداوم این فضاها و معناهای نهفته در آن‌ها ایجاد کرده‌اند.

نمونه‌های موردی

- باغ فردوس: با پیشینه‌ای متعلق به دوره قاجار، نمونه بارزی از این فضاهاست که با تبدیل شدن به موزه سینما، کارکردی فرهنگی و معاصر یافته است. این تغییر کاربری، از یک سو موجب ارزش‌گذاری بر کارکردهای فرهنگی و از سوی دیگر نگرانی از تضعیف هویت اصیل تاریخی شده و بازتابی از کشمکش میان حفظ میراث و استفاده کارکردی از فضا است.
- باغ ملی تهران: به‌عنوان یکی از نخستین باغ‌های عمومی شهر، جایگاهی ویژه در حافظه جمعی تهرانی‌ها دارد و محل وقوع رویدادهای فرهنگی و خاطرات بین‌نسلی است.
- باغ پرندگان: تخریب بخشی از این باغ برای احداث بزرگراه، واکنش منفی شهروندان و فعالان محیط زیست را برانگیخت و نشان‌دهنده تعارض میان گفتمان توسعه‌گرایانه و گفتمان حفاظت از منافع عمومی و زیست‌محیطی است.
- باغ سفارت انگلستان: خصوصی‌سازی و تبدیل آن به مرکز تجاری، نمادی از غلبه منطق سرمایه‌سالار بر منطق هویت‌محور و حذف تدریجی فضاهای تاریخی و عمومی از بستر شهری است.

در مجموع، باغات تاریخی و عمومی تهران را می‌توان به‌مثابه گره‌گاه‌هایی میان گذشته، حال و آینده در نظر گرفت؛ فضاهایی که در آن‌ها خاطره، معنا، تعلق و مقاومت در برابر فراموشی جریان دارد. حفاظت از این باغات، صرفاً به معنای صیانت از یک فضای سبز یا بنای تاریخی نیست، بلکه نوعی کنش گفتمانی برای حفظ و بازتولید هویت شهری در برابر نیروهای واگرا و بی‌ریشه‌کننده توسعه نئولیبرالی است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).

ویژگی‌های کالبدی و فضایی بافت قدیم باغات تهران:

- ساختار هندسی منظم: باغات قدیمی تهران معمولاً دارای هندسه‌ای منظم، محوربندی شده و محصور با دیوارهای بلند بودند. مسیرهای سنگ‌فرش، جوی‌های آب، کوشک مرکزی و حوض‌ها از عناصر شاخص این بافت به شمار می‌رفتند.
- تنوع گیاهی: درختان کهنسال (چنار، سرو، کاج و توت) و پوشش گیاهی متنوع، سایه‌اندازی و لطافت اقلیمی ایجاد می‌کرد.

- ارتباط با معماری ایرانی: معماری باغ‌ها با کوشک‌ها، ایوان‌ها و آب‌نماها، یادآور الگوهای باغ ایرانی بود.
 - کارکرد اجتماعی-فرهنگی: باغات قدیمی محل برگزاری مراسم، تجمعات خانوادگی و رویدادهای فرهنگی بودند و نقش مهمی در حافظه جمعی شهروندان داشتند.
- در نمای هوایی باغ فردوس یا باغ نگارستان در دهه ۱۳۲۰: فضای سبز وسیع، دیوارکشی منظم، کوشک مرکزی و جوی‌های آب قابل مشاهده است. و در عکس‌های قدیمی باغ ملی تهران حضور گسترده درختان و فضای باز و آرامش‌بخش کاملاً مشهود است.

ویژگی‌های کالبدی و فضایی بافت جدید باغات تهران:

- تغییر کاربری و کاهش مساحت: بسیاری از باغات قدیمی به دلیل توسعه شهری، تفکیک و ساخت‌وساز، بخش‌هایی از فضای سبز خود را از دست داده‌اند و به قطعات کوچک‌تر یا کاربری‌های غیرمرتبط (تجاری، اداری، مسکونی) تبدیل شده‌اند.
- کاهش تنوع گیاهی: درختان کهنسال جای خود را به گونه‌های جدیدتر یا حتی فضای خالی داده‌اند؛ در برخی موارد، تنها نام باغ باقی مانده است.
- تغییر سیمای بصری: ساختمان‌های مرتفع و جدید اطراف باغات، حریم بصری و آرامش محیطی آن‌ها را مختل کرده‌اند؛ دیوارهای قدیمی تخریب و جای خود را به حصارهای جدید یا ساختمان‌ها داده‌اند.
- تضعیف کارکرد اجتماعی: بسیاری از باغات، به دلیل کاهش وسعت و تغییر کاربری، نقش خود در خاطره جمعی و تعاملات اجتماعی را از دست داده‌اند.

در تصاویر ماهواره‌ای جدید از باغ فردوس یا باغ نگارستان، کاهش وسعت فضای سبز، حضور ساختمان‌های بلندمرتبه در اطراف، تغییر سیمای باغ و در عکس‌های جدید باغ ملی تهران، کاهش تراکم درختان، محصور شدن باغ میان خیابان‌ها و ساختمان‌های جدید دیده می‌شود.

ویژگی	بافت قدیم باغات تهران	بافت جدید باغات تهران
هندسه و ساختار	منظم، محوربندی‌شده، محصور	اغلب نامنظم، تفکیک‌شده، محصوریت کمتر
پوشش گیاهی	متنوع، درختان کهنسال	کاهش تنوع، حذف درختان قدیمی
کاربری	فرهنگی، اجتماعی، زیست‌محیطی	تجاری، اداری، مسکونی

سیمای بصری	آرامش بخش، طبیعی، اصیل	اغلب شلوغ، محاط در ساختمان‌های جدید
نقش اجتماعی	تعاملات جمعی و خاطره‌ساز	تضعیف تعاملات و هویت جمعی

اولین تصاویر هوایی تهران در دهه ۱۳۳۰ شمسی (حدود سال ۱۳۳۴ تا ۱۳۳۶) توسط شرکت‌های خارجی با مقیاس حدود ۱:۵۵۰۰۰ گرفته شده‌اند. این تصاویر نشان‌دهنده وسعت زیاد باغات تاریخی تهران مانند باغ فردوس، باغ ملی و باغ نگارستان هستند که با ساختار هندسی منظم، پوشش گیاهی متنوع و حریم باز مشخص می‌شوند.



- وسعت وسیع باغات با فضای سبز گسترده
- ساختار منظم با دیوارکشی و مسیرهای سنگ‌فرش
- حضور عمارت‌ها، استخرها و جوی‌های آب
- عدم وجود ساخت‌وسازهای بلندمرتبه اطراف باغات
- تصاویر هوایی جدید (دهه‌های اخیر) با مقیاس‌های دقیق‌تر و با فناوری‌های پیشرفته‌تر تهیه شده‌اند. این تصاویر نشان‌دهنده کاهش چشمگیر وسعت باغات، تفکیک زمین‌ها و افزایش ساخت‌وسازهای مسکونی و تجاری در اطراف و حتی داخل باغات است.
- کاهش چشمگیر فضای سبز و پوشش گیاهی
- تفکیک باغات به قطعات کوچک‌تر و تغییر کاربری
- ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه و جاده‌های جدید در حریم باغات
- کاهش حریم بصری و آرامش محیطی باغات

شخص	بافت قدیم باغات تهران	بافت جدید باغات تهران
وسعت باغات	وسیع و یکپارچه	کاهش یافته و تفکیک‌شده

ساختار هندسی	منظم، محوربندی شده	نامنظم، تفکیک شده
پوشش گیاهی	متنوع و شامل درختان کهنسال	کاهش تنوع و تراکم پوشش گیاهی
کاربری	باغ‌های تاریخی با کارکرد فرهنگی و زیست‌محیطی	تغییر به کاربری مسکونی، تجاری و اداری
حریم بصری و محیطی	باز و آرامش‌بخش	محصور در ساخت‌وسازهای جدید
کارکرد اجتماعی	محل تعاملات فرهنگی و اجتماعی	کاهش نقش اجتماعی و فرهنگی

تصاویر هوایی قدیمی و جدید باغات تهران به وضوح نشان می‌دهد که توسعه سریع شهری و فشارهای اقتصادی منجر به کاهش چشمگیر وسعت و تغییر کاربری باغات شده است. این تغییرات نه تنها بر منظر شهری و محیط زیست تأثیر منفی گذاشته، بلکه هویت تاریخی و فرهنگی باغات را نیز تضعیف کرده است. استفاده از تصاویر



هوایی در تحلیل و برنامه‌ریزی شهری می‌تواند به تصمیم‌گیران کمک کند تا حفاظت بهتری از باغات باقی‌مانده داشته باشند و سیاست‌های توسعه پایدار را دنبال کنند.

باغ فردوس در دوره قاجار ساخته شده و دارای ساختار هندسی منظم با محوربندی مشخص است. عمارت مرکزی باغ با معماری قاجاری، درختان بلند و متنوع، جوی‌ها و استخرهای متعدد از ویژگی‌های اصلی آن بوده‌اند. این باغ به عنوان نمونه‌ای از باغ ایرانی، دارای حوض‌ها و فواره‌های زیبا و فضایی آرامش‌بخش بوده است.



تصاویر قدیمی باغ فردوس نشان‌دهنده وسعت زیاد باغ، پوشش گیاهی متنوع و ساختار منظم آن است. عمارت اصلی با دو طبقه و گچ‌بری‌های زیبا، ستون‌های قطور و فضای سبز فراوان، نمایانگر شکوه باغ در گذشته است. (منبع: کجارو، آرشیو عکس‌های تاریخی)

امروزه باغ فردوس به مساحت کمتری باقی مانده و بخش عمده‌ای از زمین‌های اطراف آن به ساخت و سازهای مسکونی و اداری تبدیل شده است. عمارت اصلی باغ به موزه سینما تغییر کاربری یافته و فضای سبز باغ نسبت به گذشته کاهش یافته است. ساختمان‌های جدید اطراف باغ، حریم بصری و آرامش



محیطی آن را تحت تأثیر قرار داده‌اند.

تصاویر هوایی و زمینی باغ فردوس کنونی نشان می‌دهد که فضای سبز محدود شده و ساختمان‌های مرتفع اطراف، چشم‌انداز باغ را تغییر داده‌اند. فضای باغ بیشتر به یک پارک کوچک و موزه تبدیل شده است. (منبع: کجارو، نوین تراول)

ویژگی	بافت قدیم باغ فردوس	بافت جدید باغ فردوس
وسعت	بسیار وسیع، شامل باغ‌های اندرونی و بیرونی	محدود به فضای موزه و پارک کوچک
پوشش گیاهی	درختان کهنسال و متنوع، فضای سبز گسترده	کاهش چشمگیر درختان و فضای سبز
کاربری	باغ اشرافی، محل تجمعات فرهنگی و	موزه سینما و فضای تفریحی محدود

	اجتماعی	
حفظ عمارت اصلی به عنوان موزه	عمارت دو طبقه با گچ‌بری‌های هنری و ستون‌ها	ساختار معماری
محصور در ساختمان‌های اطراف و ساخت‌وسازها	فضای باز و طبیعی، بدون ساختمان‌های بلند	حریم بصری

تصاویر و شواهد موجود نشان می‌دهد که بافت قدیم باغات تهران، علاوه بر ارزش زیست‌محیطی، واجد هویت تاریخی و فرهنگی ویژه‌ای بود که در بافت جدید، به دلیل فشارهای توسعه شهری، بخش بزرگی از این ارزش‌ها از دست رفته است. بازخوانی و تحلیل این تصاویر می‌تواند راهنمایی برای سیاست‌گذاران و مدیران شهری باشد تا در حفاظت و احیای باغات باقی‌مانده، به حفظ ساختار فضایی، تنوع گیاهی و کارکرد اجتماعی باغات توجه ویژه داشته باشند.

باغات تهران، به عنوان یکی از مهم‌ترین عناصر هویتی و زیست‌محیطی شهر، واجد ویژگی‌هایی خاص هستند که آن‌ها را از سایر فضاهای سبز شهری متمایز می‌کند:

۱. هویت تاریخی و فرهنگی: بسیاری از باغات تهران ریشه در دوره‌های تاریخی مختلف (قاجار، پهلوی و...) دارند و بخشی از حافظه جمعی و هویت تاریخی شهر به شمار می‌روند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).
۲. تنوع زیستی و اکولوژیک: این باغات با داشتن گونه‌های متنوع گیاهی و درختان کهنسال، نقش مهمی در تلطیف هوا، کاهش آلودگی و حفظ تنوع زیستی شهر ایفا می‌کنند (رفیعیان، ۱۳۹۵).
۳. ساختار فضایی و معماری منحصر به فرد: باغات تهران معمولاً دارای هندسه منظم، مسیرهای سنگ‌فرش، کوشک‌ها و آب‌نماهای سنتی هستند که یادآور باغ‌سازی ایرانی است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).
۴. کارکردهای اجتماعی و فرهنگی: این فضاها محل شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، رویدادهای فرهنگی، خاطرات خانوادگی و تقویت حس تعلق مکانی هستند (حسینی، ۱۳۹۸).
۵. نقش در منظر شهری: باغات به عنوان لکه‌های سبز در بافت متراکم تهران، به زیبایی بصری و آرامش روانی شهروندان کمک می‌کنند (رفیعیان، ۱۳۹۵).

تخریب و زوال باغات تهران عمدتاً به دلایل زیر آغاز شده و تداوم یافته است:

۱. رشد شتابان شهر و توسعه سودمحور: افزایش قیمت زمین و نیاز به ساخت‌وساز، باغات را به هدفی برای تغییر کاربری و ساخت پروژه‌های تجاری و مسکونی تبدیل کرده است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).

۲. نگاه کالایی به زمین و فضا: منطق سرمایه‌داری شهری، باغات را نه به عنوان میراث، بلکه به عنوان سرمایه‌ای برای بهره‌برداری اقتصادی می‌نگرد (رفیعیان، ۱۳۹۵).
 ۳. ضعف قوانین و ضمانت اجرایی: هرچند قوانینی مانند ماده ۱۴ قانون زمین شهری بر لزوم حفظ باغات تأکید دارند، اما ضعف در اجرا و نظارت سبب شده این قوانین کارآمد نباشند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).
 ۴. تغییر کاربری و خصوصی‌سازی: واگذاری باغات تاریخی به بخش خصوصی و تبدیل آن‌ها به مراکز تجاری یا فرهنگی، اصالت و هویت این فضاها را تهدید می‌کند (حسینی، ۱۳۹۸).
 ۵. بی‌توجهی به نظام نگهداری: نبود مدیریت یکپارچه و اصولی برای نگهداری باغات، منجر به فرسایش تدریجی ساختار و پوشش گیاهی آن‌ها شده است (رفیعیان، ۱۳۹۵).
 ۶. گسست اجتماعی و فرهنگی: کاهش آگاهی عمومی نسبت به ارزش باغات و تغییر ترکیب جمعیتی برخی مناطق، پیوند میان شهروندان و این فضاها را تضعیف کرده است.
- برای جلوگیری از تخریب باغات تهران، راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:
۱. تقویت و اصلاح قوانین: تدوین و اجرای قوانین الزام‌آور و شفاف برای حفاظت از باغات، همراه با ضمانت اجرایی قوی و جلوگیری از تغییر کاربری غیرمجاز (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).
 ۲. مشارکت فعال شهروندان: افزایش آگاهی عمومی و جلب مشارکت مردم و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیندهای تصمیم‌گیری و نظارت بر باغات (حسینی، ۱۳۹۸).
 ۳. ایجاد نهادهای مستقل نظارتی: تأسیس دفاتر یا شوراهای مستقل برای حفاظت و مدیریت باغات، با حضور نمایندگان شهروندان، متخصصان و نهادهای دولتی (مولر، ۱۳۹۷).
 ۴. حمایت‌های اقتصادی و تشویقی: ارائه تسهیلات و مشوق‌های مالی به مالکان باغات برای حفظ و نگهداری این فضاها و جلوگیری از فروش یا تغییر کاربری آن‌ها.
 ۵. بازآفرینی و احیای کارکردهای فرهنگی و اجتماعی: تبدیل باغات به فضاهای فرهنگی، آموزشی و گردشگری با حفظ اصالت تاریخی، به گونه‌ای که هم کارکرد داشته باشند و هم هویت خود را از دست ندهند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).
 ۶. آموزش و فرهنگ‌سازی: گنجاندن اهمیت باغات در برنامه‌های آموزشی مدارس و رسانه‌ها برای ارتقای فرهنگ حفاظت از میراث طبیعی و تاریخی شهر.
 ۷. استفاده از فناوری و داده‌های شهری: بهره‌گیری از فناوری‌های نوین برای پایش و مدیریت هوشمند باغات و جلوگیری از تخریب یا تغییر کاربری غیرمجاز (کومار و پاتل، ۱۴۰۲).

باغات تاریخی تهران، به دلیل خوانایی بالا، ساختار هندسی و پیوند با طبیعت، امکان تجربه‌ای متفاوت از شهر را برای ساکنان فراهم می‌کنند؛ تجربه‌ای که در تقابل با شتاب و آشوب معماری معاصر شهر تهران قرار می‌گیرد.

این باغات با تاریخ اجتماعی، فرهنگی و سیاسی شهر گره خورده‌اند و هر یک به‌مثابه متنی شهری، حامل لایه‌هایی از حافظه، معنا و تجربه هستند.

تأثیر باغات بر شهروندان

- تقویت حس تعلق مکانی: حضور در باغات تاریخی، به‌ویژه برای نسل‌هایی که در آن‌ها خاطراتی زیسته دارند، احساس پیوند با گذشته و تعلق به مکان را تقویت می‌کند.
- افزایش سرمایه اجتماعی: باغات به‌عنوان فضاهای عمومی نیمه‌باز، امکان تعاملات اجتماعی میان گروه‌های مختلف را فراهم می‌آورند و به بازتولید سرمایه اجتماعی کمک می‌کنند (حسینی، ۱۳۹۸).
- تقویت حافظه جمعی: درختان کهنسال و بناهای تاریخی این باغات، به‌مثابه «آرشیوهای زنده شهری» عمل می‌کنند و شهروندان را در بازخوانی تاریخ و شکل‌دهی به روایت‌های جمعی مشارکت می‌دهند.
- تولید فضاهای مقاومت در برابر فراموشی و کالایی‌شدن: باغات تاریخی می‌توانند نماد مقاومت در برابر فراموشی و حذف خاطره از کالبد شهر باشند.

تأثیر روندهای شهری بر باغات

- توسعه سودمحور و تهدید کالبدی: رشد افسارگسیخته شهر و اولویت توسعه مبتنی بر سود، باغات تاریخی را با تهدید تغییر کاربری، تخریب یا محصورسازی مواجه ساخته است.
- فشار برای تطابق با کارکردهای معاصر: بسیاری از باغات برای حفظ حیات خود ناگزیر به تطابق با کارکردهای جدید می‌شوند که گاه به تضعیف اصالت و کاهش کیفیت فضایی می‌انجامد.
- بی‌توجهی به نظام نگهداری و آسیب‌های زیست‌محیطی: فقدان برنامه‌ریزی یکپارچه برای نگهداری فضای سبز و نوسازی‌های غیراصولی باعث تخریب تدریجی ساختار باغات شده است.
- گسست میان شهروند و باغ تاریخی: تغییر ترکیب جمعیتی یا کم‌رنگ شدن خاطرات جمعی، پیوند میان ساکنان جدید و فضاهای تاریخی را تضعیف کرده است.

جایگاه باغات در گفتمان شهری و قوانین مرتبط

باغات تاریخی تهران، فضاهایی چندلایه‌اند که در هم‌نشینی طبیعت، تاریخ، فرهنگ و تجربه زیسته، نقشی محوری در شکل‌دهی به هویت شهری دارند. با این حال، جایگاه این باغات در گفتمان شهری معاصر و سیاست‌گذاری‌های رسمی عمدتاً مغفول مانده است. قوانین موجود، از جمله ماده ۱۴ قانون زمین شهری که بر لزوم حفظ باغات و جلوگیری از تغییر کاربری آن‌ها تأکید دارد، در عمل به دلیل ضعف ضمانت اجرایی و تقدم منافع اقتصادی، نتوانسته‌اند به‌درستی از این فضاها حفاظت کنند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱؛ رفیعیان، ۱۳۹۵).

نتیجه این رویکرد، تضعیف ظرفیت‌های گفتمانی شهر و حذف تدریجی فضاهاى هویتی است.

چگونه گفتمان شهری می‌تواند به حفظ و احیای باغات کمک کند؟

۱. تولید و تقویت روایت‌های هویتی:

گفتمان شهری با برجسته‌کردن ارزش‌های تاریخی و فرهنگی باغات، آن‌ها را به نمادهایی از هویت محلی و حافظه جمعی تبدیل می‌کند. این امر، مطالبه عمومی برای حفاظت و احیای باغات را افزایش می‌دهد و فشار اجتماعی بر سیاست‌گذاران برای اتخاذ رویکردهای حفاظتی را تقویت می‌کند (حسینی، ۱۳۹۸).

۲. مشارکت اجتماعی و گفت‌وگوی شهری:

گفتمان مشارکتی و باز، شهروندان را به عنوان ذینفعان اصلی در فرآیند تصمیم‌گیری درباره سرنوشت باغات وارد می‌کند. این مشارکت می‌تواند از طریق شوراهای محلی، سازمان‌های مردم‌نهاد و کمپین‌های اجتماعی شکل بگیرد و به شفافیت و عدالت بیشتر در سیاست‌گذاری کمک کند (مولر، ۱۳۹۷).

۳. تغییر رویکرد سیاست‌گذاری:

گفتمان شهری می‌تواند سیاست‌گذاران را به سمت تدوین قوانین و مقررات الزام‌آور برای حفظ باغات و جلوگیری از تغییر کاربری سوق دهد. همچنین، رویکردهای نوین مانند بازآفرینی کارکردهای فرهنگی و اجتماعی باغات، به جای تخریب یا تغییر کاربری، در بستر همین گفتمان شکل می‌گیرد (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).

نقش حس تعلق در حفظ باغات

حس تعلق به مکان، یکی از مهم‌ترین عوامل در حفاظت از باغات تاریخی است. هنگامی که شهروندان یک باغ را بخشی از هویت فردی و جمعی خود بدانند و در آن خاطرات، تجربه‌های زیسته و پیوندهای عاطفی داشته باشند، انگیزه بیشتری برای حفاظت، نگهداری و مشارکت در احیای آن خواهند داشت (رفیعیان، ۱۳۹۵). حضور فعال شهروندان در باغات، برگزاری رویدادهای فرهنگی و اجتماعی، و انتقال خاطرات بین‌نسلی، حس تعلق را تقویت می‌کند و این حس تعلق، به صورت نیرویی اجتماعی در برابر تخریب، تغییر کاربری و بی‌توجهی به باغات عمل می‌کند. به همین دلیل، بسیاری از موفق‌ترین نمونه‌های حفاظت از باغات در جهان و ایران، بر پایه مشارکت اجتماعی و تقویت حس تعلق شهروندان به این فضاها بنا شده‌اند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۹۸).

در نهایت، پیوند میان گفت‌وگومان شهری و باغات تهران، یک رابطه دوسویه و پویا است؛ گفت‌وگومان شهری می‌تواند با برجسته‌کردن ارزش‌های هویتی و اجتماعی باغات، زمینه‌ساز حفاظت و احیای آن‌ها شود و حس تعلق شهروندان نیز به عنوان نیروی اجتماعی، ضامن پایداری این فضاها خواهد بود. بنابراین، هرگونه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی برای حفظ باغات باید مبتنی بر مشارکت شهروندان، تقویت گفت‌وگومان هویتی و ارتقای حس تعلق به مکان باشد.

چالش‌ها و راهکارهای پیشنهادی

۱. تعارض منافع در نوسازی بافت فرسوده

در فرآیند نوسازی بافت‌های فرسوده، تعارض منافع میان ساکنان محلی، سرمایه‌گذاران و شهرداری، موجب بروز تنش‌ها و مقاومت‌هایی در اجرای پروژه‌ها می‌شود. راهکار اصلی، ایجاد نهادهای میانجی مستقل است که می‌توانند نقش تسهیل‌گر و میانجی را در گفتگوی میان ذینفعان ایفا کنند و با حفظ حقوق قانونی و اجتماعی ساکنان، شفافیت و عدالت را در فرآیند تصمیم‌گیری تضمین نمایند (حسینی، ۱۳۹۸).

۲. خصوصی‌سازی فضاهای عمومی

تبدیل باغ تاریخی سفارت انگلیس به مجتمع تجاری، منجر به از بین رفتن فضای سبز و ارزش‌های تاریخی و کاهش دسترسی عموم مردم به فضای عمومی شد. تصویب و اجرای قوانین سختگیرانه‌تر و مشارکت فعال شهروندان در تصمیم‌گیری‌های شهری برای حفظ منافع عمومی ضروری است (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱).

۳. راهکارهای نهادی و اجتماعی

اصلاح ساختارهای نهادی و تقویت چارچوب‌های قانونی، نقش بنیادینی در بهبود مدیریت شهری ایفا می‌کند (مولر، ۱۳۹۷). تأسیس نهادهای مستقل میانجی‌گر مانند «دفاتر میانجی‌گری شهری» و اجرای برنامه‌های فرهنگی و اجتماعی و آموزش شهروندی درباره اهمیت مشارکت در فرآیندهای برنامه‌ریزی شهری، به شکل‌گیری شهروندان مسئول و فعال کمک می‌کند.

باغات تاریخی تهران نه تنها فضاهای سبز یا مکان‌هایی برای تفریح و آسایش‌اند، بلکه به‌مثابه عناصر کلیدی در گفت‌وگومان شهری جای دارند. گفت‌وگومان شهری، مجموعه‌ای از ارزش‌ها، باورها، روایت‌ها و سیاست‌هاست که معنا و نقش فضاهای شهری را تعیین می‌کند. باغات تهران، به دلیل پیشینه تاریخی، معماری خاص، و جایگاه‌شان در حافظه جمعی شهروندان، همواره بخشی از روایت هویت شهری و حافظه فرهنگی تهران بوده‌اند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱؛ رفیعیان، ۱۳۹۵). در این گفت‌وگومان، باغات به‌عنوان نمادهایی از گذشته، بسترهایی برای تجربه

زیسته، و فضاهایی برای بازتولید روابط اجتماعی و فرهنگی مطرح می‌شوند. حضور شهروندان در این باغات، برگزاری رویدادهای فرهنگی، و روایت خاطرات خانوادگی، باغ را از یک فضای صرفاً فیزیکی به یک «مکان هویتی» تبدیل می‌کند که در آن، شهروند نه فقط مصرف‌کننده فضا، بلکه تولیدکننده معناست (Lefebvre, 1991؛ حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱). حفظ باغات تاریخی، در واقع حفظ بخشی از گفتمان شهری است. این فضاها بسترهایی برای تداوم روایت‌های هویتی، فرهنگی و اجتماعی شهر هستند. با حفاظت از باغات، امکان انتقال خاطرات جمعی، تجربه‌های زیسته و ارزش‌های تاریخی به نسل‌های آینده فراهم می‌شود. در نتیجه، باغات به عنوان «آرشیوهای زنده شهری» عمل می‌کنند و گفتمان شهری را زنده و پویا نگه می‌دارند (حبیبی و مقصودی، ۱۳۹۱؛ حسینی، ۱۳۹۸). علاوه بر این، حفظ باغات به شهروندان این امکان را می‌دهد که در فضای شهری مشارکت فعال داشته باشند، حس تعلق خود را تقویت کنند و در فرآیند تولید معنا و هویت شهری نقش ایفا نمایند. این مشارکت و حضور فعال، خود به تداوم گفتمان شهری و پویایی آن کمک می‌کند. تداوم گفتمان شهری که در آن باغات به عنوان ارزش‌های هویتی و اجتماعی شناخته می‌شوند، به شکل‌گیری مطالبه عمومی برای حفاظت و احیای این فضاها می‌انجامد. وقتی ارزش باغات در گفتمان شهری برجسته شود، سیاست‌گذاران و مدیران شهری نیز ناگزیر به تدوین و اجرای قوانین حمایتی، برنامه‌های احیا و مشارکت دادن شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری خواهند شد (مولر، ۱۳۹۷).

در این شرایط، شهروندان به عنوان ذینفعان اصلی، با مشارکت در شوراهای محلی، کمپین‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد، نقش فعالی در حفاظت و احیای باغات ایفا می‌کنند. این روند، ضمن افزایش شفافیت و عدالت در سیاست‌گذاری، به ارتقای کیفیت زندگی شهری و پایداری فضاهای تاریخی و طبیعی شهر کمک می‌کند. حس تعلق به مکان، نیروی محرکه اصلی در حفاظت از باغات است. زمانی که شهروندان باغ را بخشی از هویت خود بدانند و با آن خاطره و پیوند عاطفی داشته باشند، انگیزه بیشتری برای دفاع از آن، مشارکت در نگهداری و مخالفت با تخریب یا تغییر کاربری خواهند داشت (رفیعیان، ۱۳۹۵). حس تعلق، باغ را از یک فضای بی‌روح به یک مکان معنادار تبدیل می‌کند و به عنوان نیروی اجتماعی، مانع از فراموشی و حذف باغات از کالبد شهر می‌شود.

تحلیل و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با تمرکز بر باغات تاریخی تهران، نشان داد که این فضاها نه فقط به عنوان عناصر سبز شهری، بلکه به عنوان ساختارهایی هویت‌ساز، حامل حافظه جمعی و بستر شکل‌گیری تعاملات اجتماعی، جایگاهی منحصر به فرد در منظر و هویت شهری تهران دارند. باغات تهران با ترکیب عناصر طبیعی، معماری سنتی و لایه‌های تاریخی، پیوندی عمیق میان گذشته، حال و آینده شهر برقرار می‌کنند و بستری برای شکل‌گیری خاطرات، تعاملات اجتماعی و تولید گفتمان شهری فراهم می‌آورند. این فضاها به عنوان «آرشیوهای زنده

شهری» عمل می‌کنند و معنابخش تجربه زیسته شهروندان هستند. با این حال، روند پرشتاب توسعه شهری، نگاه کالایی و سودمحور به زمین و فضا، ضعف قوانین و ضمانت اجرایی، و کاهش حس تعلق شهروندان، تهدیدی جدی برای تداوم و بقای این فضاهای ارزشمند ایجاد کرده است. بررسی مطالعات موردی (مانند باغ فردوس، باغ ملی و باغ نگارستان) نشان می‌دهد که رویکردهای غالب در سیاست‌گذاری و مدیریت شهری، بیشتر بر حفاظت کالبدی و فنی متمرکز بوده‌اند و ابعاد اجتماعی، هویتی و گفت‌وگویی باغات کمتر مورد توجه قرار گرفته‌اند.

در مجموع، روشن شد که حفاظت پایدار باغات تهران نیازمند سیاست‌گذاری جامع، مشارکت فعال شهروندان، تقویت گفت‌وگویی شهری و بازتعریف نقش ذینفعان مختلف است. راهکارهایی چون اصلاح قوانین، ایجاد نهادهای مستقل و مشارکتی، حمایت‌های اقتصادی و فرهنگی، و احیای کارکردهای اجتماعی-فرهنگی باغات، می‌تواند زمینه‌ساز حفظ و بازتولید هویت شهری تهران باشد. برآیند یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که حفاظت و احیای باغات تهران صرفاً با اقدامات فیزیکی و قانونی میسر نیست، بلکه مستلزم بازتعریف نقش شهروندان، متخصصان، نهادهای مدنی و حکومتی در قالب یک گفت‌وگویی شهری پویا و مشارکتی است. گفت‌وگویی شهری، بستری برای گفت‌وگو، شفافیت و تعامل میان ذینفعان فراهم می‌آورد و می‌تواند تضاد منافع را به فرصت‌هایی برای هم‌افزایی و حفاظت بهتر از میراث شهری بدل کند.

۱. ضرورت سیاست‌گذاری جامع و مشارکتی: حفاظت باغات تهران باید فراتر از نگاه صرفاً فنی و کالبدی باشد و با مشارکت واقعی شهروندان، متخصصان، نهادهای مدنی و بخش خصوصی، به یک سیاست‌گذاری جامع و چندبُعدی تبدیل شود.
۲. تقویت گفت‌وگویی شهری و مشارکت اجتماعی: باید بستر گفت‌وگو و تعامل میان همه ذینفعان (شهروندان، متخصصان، دولت، بخش خصوصی و سازمان‌های مردم‌نهاد) فراهم شود تا ارزش‌های فرهنگی و تاریخی باغات به رسمیت شناخته شود و حس تعلق مردم به این فضاها افزایش یابد.
۳. اصلاح و اجرای مؤثر قوانین: قوانین موجود نیازمند بازنگری، شفافیت و ضمانت اجرایی قوی‌تر هستند تا منافع عمومی بر منافع اقتصادی و سودمحور غلبه یابد.
۴. ایجاد نهادهای مستقل و مشارکتی: تشکیل نهادهایی با حضور نمایندگان مردم، متخصصان و دولت برای مدیریت و حفاظت باغات، می‌تواند به شفافیت، پاسخگویی و کارآمدی بیشتر منجر شود.
۵. احیای کارکردهای اجتماعی و فرهنگی باغات: بازگرداندن باغات به بطن زندگی شهری از طریق برگزاری رویدادهای فرهنگی، هنری و اجتماعی، و حمایت از فعالیت‌های جمعی در این فضاها، به تقویت هویت شهری و حافظه جمعی کمک می‌کند.
۶. استفاده از فناوری‌های نوین: بهره‌گیری از سیستم‌های پایش هوشمند، فناوری اطلاعات و ابزارهای دیجیتال برای شفاف‌سازی وضعیت باغات، مدیریت بهینه و جلب مشارکت شهروندان ضروری است.

۷. تدوین مدل‌های بومی گفتمان شهری: باید مدل‌هایی متناسب با ویژگی‌های فرهنگی، اجتماعی و تاریخی تهران برای گفتمان شهری طراحی و اجرا شود تا سیاست‌ها و برنامه‌ها با زمینه بومی هماهنگ باشند.

۸. تأکید بر آموزش و ارتقای سواد شهری: آموزش عمومی و ارتقای سواد شهری شهروندان، به ویژه نسل جوان، می‌تواند حس مسئولیت‌پذیری و تعلق به باغات را افزایش دهد و مشارکت فعال‌تری در حفاظت از این فضاها رقم بزند.

حفاظت و احیای باغات تهران، نه فقط یک ضرورت زیست‌محیطی، بلکه یک کنش هویتی و فرهنگی است که به بازتولید حافظه جمعی و تقویت هویت شهری می‌انجامد. استمرار پژوهش‌های میان‌رشته‌ای، آموزش عمومی و مشارکت فعال ذینفعان، ضامن موفقیت رویکرد گفتمان شهری در حفاظت و احیای باغات تهران خواهد بود.

در نهایت، تحقق حفاظت پایدار باغات تهران، مستلزم تغییر نگرش، تقویت گفتمان شهری، و هم‌افزایی ظرفیت‌های نهادی، اجتماعی، فنی و فرهنگی است. تنها در این صورت است که می‌توان امید داشت باغات تهران به عنوان سرمایه‌ای بی‌بدیل برای نسل‌های امروز و آینده حفظ و احیا شوند.

منابع

- آقاجانی، ر.، و همکاران. (۱۳۹۸). سواد شهری و مشارکت شهروندان. *پژوهش‌های شهری*، ۲۱(۴)، ۵۲-۶۲.
- اعطا، م.، احمدی، ف.، و رضایی، س. (۱۴۰۲). تحلیل روند تخریب و تغییر کاربری باغ‌های تاریخی تهران. *نشریه منظر*، ۱۲(۳)، ۴۵-۶۷.
- جانی‌پور، ب. (۱۴۰۱). شاخصه‌های طراحی باغ‌های تاریخی ایرانی. *معماری منظر/ایران*، ۸(۱)، ۷۷-۹۵.
- جلالی، ح. (۱۳۹۰). نقش منظر شهری در هویت‌بخشی. *پژوهش‌های شهرسازی*، ۲۳، ۳۵-۴۸.
- جمشیدی، ل.، و کاظمی، ا. (۱۳۹۷). گفتمان شهری و مفهوم حق بر شهر. *حقوق شهری و برنامه‌ریزی*، ۴، ۵۰-۷۰.
- جمشیدی، م.، و کاظمی، ر. (۱۳۹۷). باغات تهران و تحقق حق بر شهر. *مطالعات شهری*، ۱۵(۴)، ۳۳-۵۲.
- جهانشاهلو، س.، و همکاران. (۱۳۹۹). فناوری‌های نوین در مدیریت شهری. *فناوری و توسعه شهری*، ۵(۲)، ۷۷-۹۰.
- حسینی، س.م. (۱۳۹۸). مدیریت تعارضات شهری. *برنامه‌ریزی شهری*، ۱۰(۳)، ۱۱۵-۱۳۰.

- حسینی، م. (۱۳۹۶). احیای اکوسیستم‌های شهری. محیط زیست و توسعه پایدار، ۱۷(۳)، ۲۱-۳۲.
- حبیبی، م. (۱۳۹۶). هویت شهری و نقش باغات تاریخی. شهر و منظر، ۲۱، ۴۵-۵۴.
- رفیعیان، م.، صادقی، ل.، و کریمی، ب. (۱۳۹۸). نقش باغات در شکل‌گیری دلبستگی محلی. *مطالعات اجتماعی شهری*، ۲(۶)، ۲۹-۴۷.
- رفیعیان، م.، و همکاران. (۱۳۹۸). تبیین ماهیت دلبستگی. *جامعه‌شناسی شهری*، ۵، ۷۸-۹۵.
- رضایی، ع.، و همدانی، ن. (۱۴۰۰). نقش گفتمان رسانه‌ای در حفاظت از باغات تهران. *ارتباطات و رسانه*، ۲(۸)، ۱۲۰-۱۳۸.
- رضایی، ف.، و همدانی، ر. (۱۴۰۰). نقش رسانه‌های نوین در گفتمان حفاظت از باغات تاریخ. *مطالعات رسانه و ارتباطات*، ۱(۱۰)، ۷۲-۵۵.
- زبیری، ک.، و همکاران. (۱۳۹۵). گفتمان شهری و نقش آن در توسعه پایدار. *برنامه‌ریزی شهری*، ۲(۷)، ۹۹-۱۱۲.
- سعیدی، ع. (۱۳۹۸). شهر جهانی و چندفرهنگی. *شهر و توسعه*، ۲(۲۳)، ۶۰-۷۰.
- شایان، س. (۱۳۹۷). باغ‌های تاریخی تهران. *فصلنامه منظر*، ۴۷، ۲۵-۳۶.
- شبیانی، م.، نادری، ا.، و کاشانی، ر. (۱۳۹۶). تحول باغ‌های قاجاری تهران. *پژوهش‌های تاریخی و شهرسازی*، ۱(۴)، ۱۴-۳۸.
- عاملی، س.ر.، و اخوان، م. (۱۳۹۹). بازنمایی عناصر هویت‌بخش شهری. *مطالعات فرهنگی و اجتماعی*، ۱۲، ۴۵-۶۵.
- عاملی، م.، و اخوان، ن. (۱۳۹۹). باغات تهران در حافظه جمعی. *پژوهش‌های فرهنگی و اجتماعی*، ۲(۲۱)، ۱۲۰-۱۳۸.
- گلکار، ک. (۱۳۸۵). مفهوم منظر شهری. *آبادی، دوره جدید*، ۱۸.
- Carmona, M., Heath, T., Oc, T., & Tiesdell, S. (2010). *Public Places Urban Spaces: The Dimensions of Urban Design* (2nd ed.). Oxford: Routledge.
- Lynch, K. (1960). *The Image of the City*. Cambridge, MA: MIT Press.
- Manfred, L. (1990). *The Urban Landscape: An Introduction to Visual Perception in Cities*. New York: Springer.
- Rolf, E. (1995). *Designing Urban Landscapes: Interactions Between Nature and Built Environment*. Chicago: University of Chicago Press.

Conservation of Tehran's Gardens through an Urban Discourse Approach

1. Ph.D. Researcher of Landscape Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University (Email: a.mohtashamifar@modares.ac.ir)
2. Associate Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University, Corresponding Author (Email: haghghatbin@modares.ac.ir)
3. Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, Tarbiat Modares University (Email: bemanian@modares.ac.ir)

Abstract

Tehran's historical gardens, as identity-shaping elements and carriers of the city's collective memory, play a crucial role in the urban landscape and the reproduction of urban identity. However, rapid urban development, the commodification of land, and the profit-driven logic of capitalism have led to the degradation and functional transformation of these valuable spaces. Weak legislation, lack of enforcement, and the decline of citizens' sense of belonging have intensified the crisis of garden conservation.

This research, adopting an *urban discourse* approach, seeks to explore the role of social participation, the production of identity narratives, and the reinforcement of place attachment in the conservation and revitalization of Tehran's gardens. A review of the literature and case studies reveals that most previous research has focused on the physical conservation of gardens, with less attention given to discursive and social dimensions. Findings indicate that sustainable conservation requires comprehensive policymaking, active citizen participation, and the strengthening of urban discourse.

Policy recommendations include legal reforms, the establishment of independent institutions, economic support mechanisms, and the revival of the cultural and social functions of gardens as a means to preserve and reproduce Tehran's urban identity. The study employs a qualitative methodology, using document analysis and case studies of key historical gardens (such as Ferdows Garden, Melli Garden, and Negarestan Garden). Data were collected through content analysis of sources, field observations, and the examination of successful domestic and international experiences. Finally, by synthesizing theoretical and empirical data, the study proposes strategies for reinforcing urban discourse and achieving the sustainable conservation of Tehran's gardens. The validity of the findings was enhanced through comparative analysis and expert consultation in the fields of urban planning and cultural heritage.

Keywords: Tehran Gardens, Urban Discourse, Cultural Landscape, Urban Landscape, Conservation and Restoration